

حاشیه‌نویسی در معماری: رویکردی نظام‌مند در راستای تحرك بخشی و توسعه پایه‌های نظری، پژوهشی و انتقادی معماری

مریم غروی الخوانساری*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۹

چکیده

حاشیه به معنای کناره و شرحی است که بر متن می‌نویسند و برای توضیح مطالب مشکل یا مبهم، نقد یا رد اشکالات و در توصیف عمومی در راستای تعامل با متن صورت می‌گیرد. حاشیه‌نویسی به‌خصوص از دوران اسلامی رواج یافته و به‌صورت یکی از سنت‌های حوزه علوم اسلامی در راستای ترویج و پویایی علوم اسلامی به‌ویژه در دوره‌هایی که کمتر اندیشه تازه‌ای برای طرح وجود داشت تداوم یافته است. سؤال این تحقیق به این صورت است: آیا حاشیه‌نویسی می‌تواند به ساحت معماری انتقال یابد و در راستای تحرك بخشی به مباحث نظری به کار گرفته شود؟ بر این اساس هدف از این تحقیق سعی در بررسی ابعاد باززنده‌سازی این راهکار سنتی در دوره معاصر به‌صورت روشی دموکراتیک در بیان و ترویج نظریات و تأثیر آن در بسط مفاهیم علوم و به‌طور مشخص مباحث نظری معماری است. تحقیق حاضر با رویکردی توصیفی تحلیلی و تاریخی تفسیری، در چهار بخش اصلی مباحث خود را ارائه می‌دهد. نخست، طرح مسئله در زمینه لزوم تحرك بخشی مباحث نظری معماری صورت می‌گیرد. در بخش دوم، ضمن ارائه معانی لغوی و اصطلاحات مربوط به حاشیه، تاریخچه مختصری از حاشیه‌نویسی ارائه می‌شود. در بخش سوم، ابعاد و کاربرد حاشیه‌نویسی در مباحث نظری معماری طرح می‌شود. در بخش نهایی، تبیین مفاهیم و روش‌های کاربردی حاشیه‌نویسی در معماری پیشنهاد می‌شود و درباره روش‌های محتوایی و صوری حاشیه‌نویسی عناوینی ارائه می‌شود. از نتایج این پژوهش چارچوب پیشنهادی برای تفکر هدفمند و دستیابی به الگوهایی برای تقرب به تحقیق در معماری و کاوش فعال ادبیات موضوع است. این نتایج نشان می‌دهد که حاشیه‌نویسی به‌واسطه فرایندهای تحرك بخشی خود به پویاسازی جریان‌های فکری درون‌زا در معماری کمک می‌کند. این رویکرد با بهره‌گیری از امکانات و رسانه‌های نوین، تأثیر بسزایی در زندگی دائمی متون معماری و زایش مداوم آن‌ها خواهد داشت.

کلیدواژه‌ها:

حاشیه‌نویسی، پژوهش معماری، کاوش در ادبیات موضوع.

* استادیار، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، mgharavi@ut.ac.ir

پرسش‌های پژوهش

۱. چگونه حاشیه‌نویسی می‌تواند به ساحت معماری انتقال یابد تا از آن در راستای تحرک‌بخشی به مباحث نظری بهره گرفت؟
۲. چگونه می‌توان از این رویکرد در جهت دستیابی به الگوهایی برای تقرب به تحقیق در معماری و کاوش فعال ادبیات موضوع بهره گرفت؟

مقدمه

پژوهش معماری در موفقیت و ادامه حیات حرفه معماری اهمیت ویژه‌ای دارد (گروت و وانگ ۱۳۸۴، ۷). پژوهش معماری را می‌توان «جست‌وجوی سامان‌یافته با هدف تولید دانش» معرفی کرد (همان‌جا). هدف از این تحقیق، پرورش و توسعه روش‌های این جست‌وجوی سازمان‌یافته است. از آنجایی که تحقیق در معماری، برخلاف بسیاری از علوم نظری، به‌صورت سازمان‌یافته و روش‌مند سابقه طولانی ندارد، از این‌رو لازم است برای تقویت بنیان‌های نظری این رشته، از راهبردها و تدابیر دیگر حوزه‌های نظری بهره گرفت (همان، ۶). به عقیده عینی‌فر، «تهیه ابزارهای تولید دانش که یکی از آن‌ها روش‌های تحقیق است، به‌ویژه در رشته‌هایی که پیشینه تحقیقی ضعیفی دارند، بیش از پیش اهمیت پیدا کرده است» (۱۳۸۴، هفده). پیشنهاد این تحقیق بهره‌گیری از رویکرد حاشیه‌نویسی به‌عنوان یکی از روش‌های تحقیق و کاوش در ادبیات معماری برای گسترش دانش نظری این رشته است. حاشیه‌نویسی یکی از سنت‌های قدما و اندیشمندان اسلامی بوده که تأثیر مهمی بر تعمیق و گسترش مفاهیم علمی زمان خود داشته است. حاشیه‌نویسی به فرایندی اطلاق می‌شده است که در آن خوانندگان هر متن یا کتاب علمی، نظر خود را درباره محتوا یا بخش‌های مختلف متن در حاشیه آن الحاق می‌کردند. از این جهت بازخوردهای متون علمی ثبت می‌شد و دست به دست با جابه‌جایی کتاب انتقال می‌یافت و گسترش پیدا می‌کرد. در این فرایند، برداشت‌های دائمی مخاطبان متن در طی زمان اصالت داشته و مورد توجه و تأمل واقع می‌شده است. در تفکری مشابه در دوره معاصر، و در اواخر دهه ۱۹۶۰، نظریه متن و متنیت متأثر از رویکردهای نقد پس‌اساختارگرا تصورات سنتی از تألیف را تغییر داد. در چنین بستر فکری آثار نویسندگانی چون ژاک دریدا^۱، رولان بارت^۲، فیلیپ سولرس^۳ و میشل فوکو^۴ شکل گرفت و متن به‌عنوان بستری برای زایش دائمی «نوشتن - اندیشیدن - نوشتن»، به تعبیر جولیا کریستوا^۵، میدل شد (Allen 2000, 30-31). دریدا متن را نظامی ارتباطی دانست که از نشانه‌های گرافیک دیداری و فضایی تشکیل شده است؛ نشانه‌هایی که دو یا سه‌بعدی هستند و پیامی را که از جانب مخاطب تحلیل‌پذیر است در بر دارند. اومبرتو اکو^۶ بر منش ارتباطی هر متن تأکید می‌کند (احمدی ۱۳۷۰، ۳۶۰). خواندن این متن یعنی فرآیند ادراک حسی و دریافت متن از سوی مخاطب در کلی‌ترین شکل آن که از معنای محدود «خواندن یک نوشتار» بارها فراتر می‌رود (احمدی ۱۳۷۱، ۱۹۱). این برداشت متن را به قلمروی باز و فور و کثرت معناهایی تبدیل می‌کند که پیوسته در حال زایش است، و به همین جهت شور دریافت آن‌ها هرگز ارضا نمی‌شود (سجودی ۱۳۸۷، ۱۱۵).

این پژوهش از نوع تحقیق کیفی است که در آن از روش‌های تحقیق توصیفی تحلیلی و روش تاریخی تفسیری استفاده می‌شود و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها مقایسه‌ای است. در این تحقیق، از انواع متون تاریخی مرتبط بهره گرفته شده و با تحلیل آن‌ها به انواع روش‌های حاشیه‌نویسی دستیابی شده است.

گروت و وانگ معتقدند که موضوع یک تحقیق می‌تواند در جهت انتقال و بسط مفاهیم و نظریه‌های موجود از یک حوزه به حوزه دیگر گام بردارد (گروت و وانگ ۱۳۸۴، ۵۲). در این راستا موضوع این تحقیق برخاسته از رویکردی است که به‌صورت تاریخی در بستر سیستم آموزش حوزوی رایج بوده و به‌عنوان راهکاری مشارکتی و تعاملی، به‌خصوص در دوران تاریخی خاصی از تفرق تألیفات در کشور کاربرد یافته و تأثیرگذار بوده است. انواع روش‌های تعامل با متن در قالب روش‌های یادگیری و مطالعه^۷ در تحقیقات مرتبط با رشته کتابداری در دوره معاصر بررسی شده است. از اصلی‌ترین کاربردهای پژوهش، تحرک‌بخشی و توسعه نظری و پژوهشی در حوزه معماری است. از دیگر

کاربردهای تحقیق، قابلیت بهره‌برداری از روش‌های حاشیه‌نویسی در نظام‌مند ساختن رویکردهای نقد معماری و همچنین باززنده‌سازی یک سنت ایرانی در راستای تحرک بخشی به نقد، تحلیل و موشکافی متون و آثار معماری ایران در راستای تقویت هویت ایرانی در آثار است.

به نظر می‌رسد با وجود سابقهٔ دیرین در توجه به حاشیه‌نویسی در کشورهای اسلامی، این رویکرد در دورهٔ معاصر در انواع حوزه‌های نظری معماری در کشورهای پیشرو غربی پیگیری می‌شود و نمونه‌های آن قابل مشاهده است.^۸ این امر از یک طرف اثربخشی رویکرد مطروح را تأیید نموده و از سوی دیگر امکان احیای این رویکرد و لزوم توسعهٔ آن را در انواع حوزه‌های فکری بومی در بستری که مبدع این روش بوده است نشان می‌دهد. از این رو این تحقیق قصد دارد ضمن توجه به سنت حاشیه‌نویسی و تحلیل و واشکافی روش‌های آن، در راستای طرح رویکردی نظام‌مند با هدف توسعه و تحرک بخشی پایه‌های نظری، پژوهشی و انتقادی معماری قدم بردارد. این تحقیق معتقد است اگرچه حاشیه‌نویسی در مباحث معماری به صورت مشخص چندان مسبوق به سابق نیست،^۹ به نظر می‌رسد به‌عنوان یک روش مؤثر در تحرک بخشی به نظریات علمی بومی و درون‌زاد، می‌تواند در مباحث نظری معماری ایران کاربرد یابد.

۳. طرح مسئله، لزوم تحرک بخشی مباحث نظری معماری

نظریه‌پردازی در مباحث معماری در راستای تحقق معنا و هویت در معماری امروز، امری ضروری است. فلامکی معتقد است معماری بیش از سایر هنرها نیازمند داشتن پشتوانهٔ فکری در زمینهٔ تبیین خصلت‌ها و کیفیات فضایی است که قصد آفرینش آن را دارد. فضای معماری از این جهت که هم برانگیزانندهٔ تفکر است و تأثیرگذار بر رفتارهای فردی و هم هدایت‌کنندهٔ امور کاربردی روزمره، همواره از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. لذا پرداختن به آن مسئولیت زیادی را هم برای طراح به وجود می‌آورد. در خلق فضای معماری، ما هر روز به تدابیر اجرایی متداولی متوسل می‌شویم که زادهٔ مستقیم تفکر منطقی‌اند. بی‌اینکه فرصت داشته باشیم به مبانی آن‌ها بازگردیم، درحالی‌که بازشناسی و ارزیابی این مبانی بر ما فرض است. در این راستا هر معمار بایستی بتواند به نظریه‌ای دست یابد تا در ارتباط با آن تعیین ارزش‌ها و نسبت‌ها صورت گیرد (فلامکی ۱۳۷۱، ۱۵۱-۱۵۳).

در عین حال به نظر می‌رسد در شرایط امروز، حدی از سرگشتگی و نابسامانی در پرداخت به نظریات بومی و خودی وجود دارد.^{۱۰} ریشه‌یابی این نابسامانی ریشه در مسائل گوناگونی دارد که از جمله آن‌ها می‌توان بحث نسیان فرهنگی و هجوم الگوهای غیربومی به‌خصوص غربی را طرح نمود. بدون اینکه سیستم ایمنی مناسبی برای انطباق این الگوها با مسائل روز مبتلابه جامعه پیش‌بینی شده باشد، بر این اساس، دغدغهٔ اساسی این تحقیق در مرحلهٔ اول، توجه به فعال‌سازی نظریه‌پردازی بومی در زمینهٔ معماری و در عین حال پردازش سیستم ایمنی مناسبی برای هضم و انطباق نظریات وارداتی است. در این راستا توجه به سه نکتهٔ اساسی اهمیت دارد:

۱. نکتهٔ قابل توجه در وهلهٔ اول، حد تفاوت جهان‌بینی و ارزش‌های ملی و بومی ما با جهان‌بینی و ارزش‌های وارداتی به‌خصوص از غرب است. در بیان سید حسین نصر، «تفاوت نگاه ما و نگاه امروز غرب اساسی و زیربنایی است. نگرش انسان غربی به عالم و آدم و زمان و تاریخ خصوصاً از قرن هجدهم به‌نحوی دگرگون شد که با تکاپوی دائمی برای پیشرفت و تغییر جهان هم‌ساز شود. استمداد بلاانقطاع این تمدن از علم و تکنولوژی علاوه بر آنکه این تمدن را تمدن علم و تکنولوژی وانموده، باعث معارضهٔ بی‌امان این تمدن با سایر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها شده است. بر این اساس دنیای ما حدود دو قرن با هجوم تمدن و جهان‌نگری بیگانه‌ای مواجه بوده که با مبانی و اصول فرهنگ ما تعارض داشته است. آثار فلسفی، فرهنگی، هنری، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی استیلای غرب جدید، همچنان به انحای مختلف در سراسر جامعهٔ ما پراکنده است» (نصر ۱۳۷۵، ۱۲). معماری و آثار مربوط به آن نیز از این قاعده مستثنا نیست.

۲. جهان غرب و به‌ویژه اروپا برای قرن‌های متمادی، فضای تفکر پویا و تولیدکنندهٔ علوم و نظریات شمرده می‌شود (فلامکی ۱۳۷۱، ۱۵۲) بنابراین شکی نیست که نمی‌توان جلوی سیر این افکار و اندیشه‌ها را گرفت. در کنار این موضوع، نباید نادیده گرفت که بسیاری از این ایده‌ها نیز در مسائل روز جامعهٔ ما نیز قابل کاربرد است. اما دستیابی به سیستم یا

فیلتر پالایش‌کننده و انطباق‌دهنده به لحاظ جهان‌بینی بومی و مسائل فرهنگی و اجتماعی اهمیت زیادی دارد. ۳. مدها و موازین داوری نشئت‌گرفته از غرب، هر چند دهه‌ای تغییر می‌کند؛ پس باید به معیارهای فرهنگ بیگانه‌ای که در نظریات درونی کشور تأثیرگذاری می‌کند، به‌عنوان معیارهایی که خود در حال تغییرات سریع است، توجه کرد. از این‌رو در این مواجهه، آمادگی لازم برای برخورداری از جنبه‌های مثبت و در عین حال مقابله با جنبه‌های تهدیدآمیز ضروری است. در این راستا مطالعه و تبیین متون وارداتی همراه با ارائه نگاه انتقادی اهمیت ویژه‌ای دارد. پیشنهاد این تحقیق توجه به رویکردی با عنوان حاشیه‌نویسی است که موجد و گسترش‌دهنده دیدگاه انتقادی است. جنکز و برد از این رویکرد به‌عنوان رویکرد محرک تعقل و تدبیر در متن نام می‌برند (Jencks and Baird 1969, 7). در عین حال از آنجا که تعداد منابع پایه منتشرشده در زمینه مباحث نظری معماری خودی، نسبت به طول عمر فعالیت‌های آموزشی دانشکده‌های معماری کشور اندک است و بحرانی در زمینه کمبود تألیفات در این زمینه به نظر می‌رسد، حاشیه‌نویسی می‌تواند به‌عنوان راهکاری مشارکتی و تعاملی که در دوران تاریخی خاصی از فترت تألیفات در کشور کاربرد یافته بود، تأثیرگذار باشد. به عقیده مفید و رئیس‌زاده، حاشیه‌نویسی موجب تحرک در تألیفات می‌شود. «در وادی تعلیم و تعلم گریزی از تألیف نیست و آنچه موجب غنای تألیفات می‌شود حاشیه زدن بر متون است. به بیان دیگر می‌توان گفت که حواشی و تعلیقات موجب پالایش متون می‌شوند و این روند گاهی تا بدان جا پیش می‌رود که حواشی و تعلیقات خود تبدیل به متنی معتبر و مستقل و نوین می‌گردند. با این نگرش، حاشیه‌نگاری اضافه‌ای اشرافی است و موجب افزایش ظرفیت متون (مفید و رئیس‌زاده ۱۳۸۷، ۶۲۷). همچنین معتقدند که حاشیه‌نویسی موجبات رشد و ارتقای متن را فراهم می‌کند، متن را توسعه داده و از این‌رو موجب تحرک متن می‌شود (همان، ۶۲۹).

بر اساس ضرورت طرح‌شده به نظر می‌رسد حاشیه‌نویسی می‌تواند در تحرک‌بخشی به نقد و تجزیه و تحلیل در دو حوزه مؤثر باشد: یکی تجزیه و تحلیل تئوری‌های خودی معماری با هدف به‌روزرسانی و قابلیت بهره‌گیری در مسائل جاری و دیگری نقد نظریات غربی در راستای تشخیص سره از ناسره، انطباق جنبه‌های مثبت با مسائل جاری و به‌حد اقل رسانی آفت‌های جنبه‌های منفی این تفکرات. از این‌رو این نوشتار معتقد است که توجه عملی به این ایده و الهام از آن در ساحت معماری می‌تواند سرآغاز تقویت نگاه انتقادی، تحرک در مباحث نظری معماری و فتح بایی برای دستیابی دانش‌پژوهان به نظریات درون‌زا باشد.

۴. تعریف حاشیه و حاشیه‌نویسی

در تعریف حاشیه و حاشیه‌نویسی مطالب زیر آورده شده است:

حاشیه^{۱۱} در لغت به معنای کناره و شرحی است که بر متن می‌نویسند (دهخدا ۱۳۷۷، ذیل واژه). همچنین این واژه به مفهوم توضیح کلمه‌ها یا موضوعات مشکل یا نکاتی از قسمت‌های پیچیده که معمولاً در حاشیه صفحات کتاب ارائه می‌شوند، به کار می‌رود (پورممتاز ۱۳۷۷). در اصطلاح نسخه‌شناسی، مطالبی است که در گذشته در اطراف متن اصلی کتاب‌ها برای توضیح مطالب مشکل یا مبهم، یا نقد و ردّ اشکالات مطرح‌شده در متن نوشته می‌شد. این سنت از قرن‌ها پیش در میان دانشمندان اسلامی رواج داشته که به هنگام خواندن کتاب، نظرها و توضیحات خود را در سه طرف (بالا، پایین، و سمت چپ) صفحات آن می‌نوشتند. نویسندگان حاشیه را «مُحَسِّی» یا «حاشیه‌نویس» و عمل حاشیه‌نویسی را «تحشیه» می‌گفتند. بعدها بر اساس اعتبار علمی نویسندگان حاشیه و یا نظر به اهمیت حاشیه‌ها، ناسخان هنگام نسخه‌برداری از کتاب‌های گوناگون، حاشیه‌های مهم را در اطراف صفحات ثبت می‌کردند (روحانی، ورجاوند، و سیدعرب ۱۳۷۰، ۱۸). کتابی که به‌عنوان توضیح یک متن مشکل یا قدیمی نوشته می‌شود و آن را به زبان ساده یا زبان روز درمی‌آورد، شرح حاشیه^{۱۲} گفته می‌شود. شرح می‌تواند در حاشیه متن اصلی بیاید یا به‌صورت مستقل ارائه شود (محمدی‌فر ۱۳۷۶). یادداشت حاشیه ممکن است به‌صورت دست‌نوشته یا چاپی در حاشیه متن اصلی اضافه شود. کتابی که دارای حاشیه‌نویسی است مُحَسَّ نامیده می‌شود. واژه حاشیه‌نویسی گاهی به‌صورت واژگان قلم‌اندازی یا هامش‌نویسی نیز به کار می‌رود (سلطانی و راستین ۱۳۷۹).

۵. پیشینه تاریخی و تحقیقی موضوع

سابقه حاشیه‌نویسی به حوالی قرون چهارم و پنجم هجری در دوره اسلامی بازمی‌گردد. پس از تعاملات جهان اسلام و غرب در سده‌های میانی میلادی نیز نمونه‌های حاشیه‌نویسی در اروپا قابل مشاهده است.^{۱۳} حاشیه‌نویسی در جهان اسلام به روزگار انتشار گسترده کتاب‌های خطی باز می‌گردد که هر کس که مطلبی را می‌خواند از نگارش نظر خویش درباره آن خودداری نمی‌کرد، تا جایی که بعضی از دانشمندان حاشیه‌نویسی را کار و وظیفه خود می‌دانستند. آنان ضمن نسخه‌برداری از کتاب‌های معروف و معتبر، مطالب خود را در اطراف یا در لابه‌لای صفحات گوناگون می‌نوشتند و سپس دنباله مطلب را پی می‌گرفتند (روحانی، ورجاوند، و سیدعرب ۱۳۷۰، ۱۸).

چون حاشیه‌نویسی بر کتاب‌ها و اظهار نظر درباره آثار دیگران آسان‌تر از تألیف بود، از گذشته عمومیت یافته است؛ به نحوی که پیش از قرن دهم هجری، منحصر به کشف برخی مسائل دشوار و شرح بعضی از عبارات پیچیده بود، اما از آن پس، اندکی محدودتر شد. در این دوره، حاشیه‌ها توضیح عبارت‌های پیچیده و عموماً روشن‌تر از متن بود، اما در دوره صفویه و قاجاریه که می‌توان آن را دوره حاشیه‌نویسی نامید، حاشیه‌ها پیچیده‌تر و دشوارتر از متن می‌نمود (درویان ۱۳۷۵؛ دهخدا ۱۳۷۷، ذیل حاشیه‌نویسی؛ روحانی، ورجاوند، و سیدعرب ۱۳۷۰، ۱۹).

حواشی این دوره را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

حواشی کتاب‌های ادبی، به‌ویژه متونی که برای تدریس در حوزه‌های علمیه تعیین شده بود. بعضی از این حواشی، توضیحی و روشنگر و برخی حاوی شرح و بسط و نقد و استدلال‌های مضاف بر متن بودند.

حواشی کتاب‌های دینی که درباره اصول اعتقادی یا فروع فقهی (احکام عملی) بود. این حاشیه‌ها برای توضیح مقصود نویسنده متن و بسط و تفصیل دلایل عقلی و نقلی وی نوشته می‌شد. به این شیوه، حاشیه‌نویسی «شرح» می‌گفتند که مستقل از کتاب اصلی بود و نویسنده شرح برای اثر خود، عنوان جداگانه دوجزئی برمی‌گزید که واژه شرح، غالباً در آغاز جزء دوم قرار داشت. همچنین هنگامی که نویسنده‌ای مطالبی در ردّ یک یا چند بخش و یا همه مطالب نویسنده‌ای می‌نوشت، بدان «ردّ» یا «ردیه» می‌گفتند که به‌صورت مستقل منتشر می‌شد و عنوان جداگانه دوجزئی داشت که واژه ردّ، غالباً در آغاز جزء دوم آن واقع بود.

حواشی کتاب‌های کلامی و فلسفی، که در دوره تیموری رو به کاهش نهاد و پس از آن تا اندازه‌ای رواج یافت. نویسندگان این گونه حواشی، برای خود در این زمینه حق اظهار نظر قائل بودند. این قبیل کتاب‌ها میدان جدال آرای مختلف و احیاناً متضاد گردید و کار به جایی رسید که به محض نوشته شدن اثری در این زمینه، حاشیه از هر سو نوشته می‌شد و پس از نشر آن‌ها، دیگران نیز حواشی دیگری می‌نوشتند و از آرای نویسنده اصلی، پشتیبانی و نظرهای مخالف وی را رد می‌کردند. شاید گهگاه در این میان، کسی نقش داور و میانجی را در میان آرای متناقض بر عهده می‌گرفت (دهخدا ۱۳۷۷، ذیل حاشیه‌نویسی؛ روحانی، ورجاوند، و سیدعرب ۱۳۷۰، ۱۹).

حواشی بر نسخ خطی به اعتبار حاشیه‌نویسان به سه گروه تقسیم می‌شوند: ۱. حاشیه طالب، که از یک اثر، خلاصه‌ای تهیه می‌کردند و سپس فردی فاضل نقایص این نسخه را با مقایسه آن با نسخه کامل و اصلی برطرف می‌نمود و با رفع افتادگی‌ها، آن را کامل می‌کرد. ۲. حواشی علما و دانشمندان، که به‌منظور شرح پیچیدگی‌ها و یا ردّ نظریات نویسنده، در کنار صفحات متن نوشته می‌شد. ۳. حواشی صاحبان نسخه، که شرح و بسط تکمیلی نقایص کتاب خود بوده است (درویان ۱۳۷۵).

پس از پیدایش صنعت چاپ، حاشیه‌نویسی همچنان به دو صورت ادامه یافت: ۱. مطالبی که نویسنده کتاب یا مقاله نه آنقدر لازم می‌داند که جزو متن اصلی بیاورد و نه آنقدر زائد که از آوردن آن صرف‌نظر کند. بنابراین، آن‌ها را به‌عنوان پانویس در ذیل صفحات، یا به‌صورت پی‌نوشت در آخر فصل‌ها یا در آخر کتاب قرار می‌دهد. ۲. مطالبی که مترجم کتاب یا مقاله در توضیح منظور نویسنده اصلی اثر می‌آورد و بنا به رعایت امانت در ترجمه، نمی‌تواند آن را در متن ترجمه داخل کند و ناگزیر آن را جدا از متن می‌آورد (همان، ۵۱۲).

شمار حاشیه‌های بالارزش و سودمند تاریخی، فراوان است. آقا بزرگ طهرانی در کتاب *الذریعه*، تعداد ۱۲۸۶ عنوان

حاشیه از حاشیه‌نویسان شیعه را برشمرده که تعداد مؤلفان آن‌ها بیش از ۳۰۰ نفر است (روحانی، ورجاوند، و سیدعرب ۱۳۷۰، ۲۰). سنت حاشیه‌نویسی در همه علوم و از جمله علوم مرتبط با معماری نیز قابل پیگیری است. از آن جمله حاشیه‌هایی است که در زمینه کتاب *مفتاح الحساب* نگاشته شده است. کتاب *مفتاح الحساب* از مهم‌ترین آثار غیاث‌الدین جمشید کاشانی ریاضی‌دان و اخترشناس برجسته قرن نهم هجری و بنیان‌گذار روش علمی در دانش ریاضیات معماری است. رساله طاق و ارج ترجمه باب نهم از مقاله چهارم کتاب *مفتاح الحساب* است. این کتاب در قدیم جزو کتب درسی حوزه‌های علمی بوده و تنها مدرک و کتاب متقن و فنی در زمینه معماری ایرانی اسلامی است (کاشانی ۱۳۶۶، ۷، مقدمه). شرح‌های متعددی در زمینه کتاب *مفتاح الحساب* انتشار یافته است. از آن جمله محمد اسماعیل حسینی بیرجندی در بین سال‌های ۱۲۹۴ تا ۱۳۷۳ ق، شرحی به نام *نهایة‌الایضاح* نوشته است.^{۱۴} همچنین شرح این کتاب به زبان‌های فرانسه (توسط وپکه)، آلمانی (توسط پاول لوکی)، روسی (توسط رزفلد و سگال و یوشکویچ) و انگلیسی (توسط لوی) نگاشته شده است (کاشانی ۱۳۶۶، ۱۰-۱۱، مقدمه). سید علی‌رضا جذبی در ترجمه و تحشیه رساله طاق و ارج حاشیه‌هایی به‌صورت پانویس‌هایی بر متن و ضمائم در لابه‌لای متن آورده است.

در دوره معاصر، گونه‌هایی از روش‌های حاشیه‌نویسی در ذیل عنوان انواع روش‌های یادگیری و مطالعه در علوم مرتبط با دانش کتابداری مورد توجه بوده است. فلاحی در کتاب *انواع روش‌های صحیح یادگیری و مطالعه*، حاشیه‌نویسی را در قالب رویکرد مقایسه متون و تعمیم مطالب، از مراحل پنج‌گانه یادگیری و مطالعه عنوان کرده است (فلاحی ۱۳۹۶، ۱۶-۱۷). سیف در کتاب *روش‌های یادگیری و مطالعه*، خوانندگان را به خواندن انتقادی به‌عنوان روشی مستدل و درگیری عمیق‌تر با مطالب از طریق تجزیه و تحلیل معانی دعوت می‌کند. وی معتقد است در مطالعه عمیق، بایستی یادگیرنده بتواند بین مطالب آموخته قبلی و مطالب جدید ارتباط برقرار کند. در این صورت مطالب معنادار را می‌توان در قالب حاشیه‌نویسی، طبقه‌بندی، مرتب و سازمان‌دهی کرد. او روش‌هایی نظیر سازمان دادن به اطلاعات برای بازیابی مجدد، ایجاد نظم سلسله‌مراتبی به مطالب و بهره‌گیری از ترسیمات برای ایجاد تصویر ذهنی را در این زمینه پیشنهاد می‌کند (سیف ۱۳۸۳).

از نمونه‌های معاصر حاشیه‌نویسی در زمینه معماری، حاشیه‌های ارائه‌شده در زمینه کتاب *معنا در معماری* است. چارلز جنکز و جورج برد در این کتاب، روش متفاوتی را در ارائه نظریات نسبت به نوشتارهای متداول در پیش می‌گیرند. آن‌ها تلاش می‌کنند به‌جای جریان یک‌طرفه افکار، با بیان نظریات متفاوت یا متضاد یا ارائه ابعاد تکمیل‌کننده از موضوع، چالشی ذهنی را برای مخاطب برانگیزند. جنکز معتقد است که در فضای دنیای معاصر معماری، به‌سبب تغییر و تحول مداوم نظریات و همچنین به‌دلیل بحران معنا در معماری معاصر، اهمیت بازخورد و تضارب نظریات شدت می‌یابد. جنکز و برد در این کتاب، حاشیه‌نویسی را در راستای تحقق این موضوع طرح می‌کنند و به کار می‌بندند. کتاب در سه بخش تنظیم شده است که از سه زاویه، به بیان سه نظرگاه از موضوع مورد بحث می‌پردازد. در عین اینکه هر بخش کتاب از نگاهی ویژه طرح موضوع می‌نماید، یعنی کلیت کتاب تأکیدی بر توجه به ابعاد متفاوت از یک موضوع را دارد، در جریان متن نیز دیدگاه‌های تعاملی صاحب‌نظران در حاشیه متن ارائه شده است (Jencks and Baird 1969, 7-8).

۶. کاربرد و ابعاد حاشیه‌نویسی در مباحث نظری معماری

گروهی از صاحب‌نظران معتقدند که دوره حاشیه‌نویسی را می‌توان دوره‌ای دانست که کمتر اندیشه تازه‌ای برای طرح وجود داشت و از این‌رو اهل فضل به حاشیه‌نویسی بر آثار پیشینیان پرداختند؛ چنان‌که دوره‌های مغول و قاجار از دوران بااهمیت حاشیه‌نویسی در ایران به شمار می‌روند. حاشیه‌نویسی در جهان اسلام، به‌ویژه عالم تشیع، وسیله‌ای برای بسط علم، گسترش فهم و اندیشه، ترویج آزادانه عقاید و توسعه بیشتر فرهنگ بود. تا حدی که کتاب‌های حاشیه‌دار از شکل اصلی خود بیرون آمد و اثر تازه و جداگانه‌ای محسوب شد (روحانی، ورجاوند، و سیدعرب ۱۳۷۰، ۲۰). از این‌رو دقت در تاریخچه حاشیه‌نویسی نشان می‌دهد که این روش زمانی در جامعه علمی دوران گذشته ما آغاز شد و شکل

گرفت که خلاً تألیفات در مباحث نظری وجود داشته و بدین سبب حاشیه زدن بر کتب موجود علمی می‌توانست تأثیر زیادی در شکل‌گیری و گسترش ایده‌های نو برای تألیفات جدید داشته باشد. به نظر می‌رسد که در شرایط حال حاضر، حاشیه‌نویسی بر تألیفات موجود داخلی و یا تألیفات خارجی در زمینه معماری نیز می‌تواند محرک خوبی برای ایجاد پویایی بیشتر در مباحث نظری و همچنین مقوله نقد آثار باشد.

قاعداً آنچه در شرایط امروز به بهبود وضعیت تئوری‌پردازی معماری خواهد انجامید، دستیابی به نظریات بومی است. بومی بودن تألیفات از دو نگاه قابل بحث است: اولاً جامعه امروز در بحث مسائل اعتقادی و فرهنگی، شرایط کاملاً منحصراً به خود را دارد و راه‌حل‌های خاص خود را می‌طلبد. از این‌رو تألیفات خارجی از آنجایی که با توجه به شرایط و نیازهای بومی بستر خود ارائه شده‌اند، اگرچه واجد ارزش بوده و برای تئوری‌پردازان مفیدند، نمی‌توانند فارغ از نگاهی نقادانه و در تطبیق با شرایط فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی کشور، پاسخ‌گوی نیازهای ما باشند. ثانیاً با توجه به پیشینه معماری و پشتوانه قوی فرهنگی و تمدنی ایران، دغدغه‌ای با عنوان هویت می‌طلبد که توجه بیشتری در زمینه تولید تئوری‌های بومی به وجود آید. این تحقیق با این دیدگاه نگاشته شده است که حاشیه‌نویسی در معماری نیز می‌تواند مقدمات لازم برای بسط و تقویت پایه‌های نظری و بومی را فراهم کند. با شروع این حرکت از متون پایه و ارزشمند موجود، می‌توان امیدوار بود که حاشیه‌های نوشته‌شده بتواند محرک شکل‌گیری نظریات منطبق با نیازها و شرایط خاص حال حاضر در مقولات مختلف معماری گردد و گسترش نظریات مربوط به آن از طریق حاشیه بر حاشیه و سلسله‌مراتب آن آغاز شود. از دیدگاه نگارنده، ابعاد مختلف تحریک‌بخشی حاشیه‌نویسی در معماری می‌تواند به‌واسطه فرایندهای زیر محقق شود.

۱.۶. حاشیه‌نویسی، بازنمود جرقه‌های فکری و تأویل‌های برخاسته از متن در ذهن مخاطب

به‌طور معمول حاشیه‌نویسی نمود تفسیر، تأویل و یا بازخورد نظریات است که در حین مطالعه متن و «انتقال مفهوم» از متن به ذهن مخاطب و تعمق و تفکر وی صورت می‌گیرد. جنکز و برد در کتاب خود، معنا در معماری، در تعبیری از ریچاردز^{۱۵} آورده‌اند: «کتاب ماشینی است برای برانگیختن تفکر». به عبارت دیگر هر نوشته یا تألیف محرکی است که قوه اندیشه و تعقل خواننده را به پویایی وامی‌دارد. برخاسته از چنین تأثیرگذاری، می‌توان تصور کرد چنانچه امکان ثبت مهیا باشد، هر کتاب می‌تواند دارای حواشی الحاق‌شده‌ای از تفکرات برانگیخته شده باشد که در حالت ایدئال، از نظر کمیت حتی به اندازه متن اصلی است. قاعداً هر چه محتوای کتاب تأمل‌برانگیزتر باشد، نظریات بیشتری را از طرف مخاطب برخواهد انگیزد (Jencks and Baird 1969, 7). برخلاف رایج، جمود از آن اندیشه‌ای است که ماتینی کثیر و محشیانی قلیل دارند. اما ستایش از آن محشیانی است که متون را کاویده و در آن «راه را از چاه می‌نمایند و به ظرفیت متن می‌افزایند» (مفید و رئیس‌زاده ۱۳۸۷، ۶۲۹).

احمدی معتقد است که نوشتار یک جریان زاینده دائمی است و تأویل‌های مخاطب از متن، افق‌های معنایی متن را گسترش می‌دهد. همچنین هر فرد در هر دوره می‌تواند بر اساس نیازهای خود متن را تأویل کند. آنچه‌ای که به قول نیچه «این نیازهای ماست که جهان را تأویل می‌کند» (احمدی ۱۳۸۰، ۸۵). بدین ترتیب نیازها تأویل‌هایی نو برمی‌انگیزند. این تأویل‌ها اگر امکان ثبت داشته باشند، به‌تدریج انسجام یافته و می‌تواند مقدمات جریان‌های فکری را بنیان نهند که برخاسته از نیازهای مخاطب و روشنگر مختصات زمانی، مکانی و... دوره خود می‌باشد. قاعداً فرایند ثبت و ضبط این تأویل‌ها به‌واسطه حاشیه‌نویسی تقویت می‌شود.

در این راستا حاشیه‌نویسی می‌تواند به‌عنوان یکی از شیوه‌های کاوش فعال در ادبیات نظری معماری، در روشن ساختن حوزه‌های جدید و بکر برای پژوهش‌های معماری تأثیرگذاری نماید. کاوش فعال در ادبیات موجود بر اساس رویکردهایی نظیر مقایسه پژوهش‌های موجود، به‌کارگیری نظریه‌ای موجود برای ارزیابی موضوع‌های مرتبط به آن، سؤال در زمینه آزمون‌پذیری مجدد نظریه، بسط مفاهیم و نظریه‌های موجود و... محقق می‌شود که به‌عنوان روش‌های یافتن پرسش تحقیق معرفی می‌شوند. ویژگی این راهکارها ایجاد قابلیت جست‌وجوی پیوندهای موضوعی است که به‌واسطه توانایی ابداع کارکردهای جدید از موضع‌گیری‌های موجود، نقد باورهای گذشته با اتکا

به موضع‌گیری فعلی، به تصویر کشیدن طرح‌های آینده بر اساس فرض‌های قبلی میسر می‌شود (گروت و وانگ ۱۳۸۴، ۵۰-۵۲). این روش‌ها از مواردی هستند که به‌واسطه حاشیه‌نویسی قوت گرفته و گسترش می‌یابند.^{۱۶} در این راستا حاشیه‌نویسی می‌تواند زمینه‌ساز گستره‌هایی نظیر تحلیل و نقد پژوهش‌های نظری باشد. در بیان احمدی مناسبات بینامتنی، فرامتن، سخن، تأویل و... در نقادی اهمیت می‌یابد (احمدی ۱۳۸۰، ۴۹) که مشمول مصادیقی از حاشیه‌نویسی است.

همچنین این رویکرد، محرک تئوری‌سازی و نظریه‌پردازی است. تئوری‌های جدید با پرداخت و توسعه توضیحات و بیانیه‌ها و یا با تبیین روابط میان بیانیه‌ها و یا تئوری‌ها به دست می‌آیند. ایده‌های جدید از نوع نگاه متفاوت به نظریات موجود حاصل می‌شود که در برخی موارد شاید شخص مطرح‌کننده ایده اولیه، احاطه کامل بر جنبه‌های جدید و تأثیرگذار موضوع نداشته است. جهت‌گیری‌های متفاوت یا انعکاس‌های جدید از ایده موجود، لازم است تا با تلاش مجدانه پرداخته شده و به زبانی قابل اشتراک میان محققان دیگر بسط و گسترش یابد (Davidson Reynolds 1971, 21).

حاشیه‌نویسی می‌تواند بستر چنین امری را هموار سازد.

۲.۶. حاشیه‌نویسی، باز نمود انتقال یا تولد مفهوم در تبدیل ساحت‌ها

توجه به انتقال مفاهیم از زمان، مکان و حوزه علمی به زمان، مکان و حوزه علمی دیگر می‌تواند بستر تفسیرها و کاربرد مفاهیم را گسترش دهد. انتقال مفهوم از ساحتی به ساحت دیگر می‌تواند ابعاد متفاوتی را در بر گیرد:

- انتقال مفهومی از زمانی به زمان دیگر
- انتقال مفهومی از مکانی (دارای مختصات جغرافیایی، فرهنگی و...) به مکان دیگر
- انتقال مفهومی از سطح ادراکی به سطح ادراک دیگر
- انتقال مفهومی از حوزه علمی به حوزه علمی دیگر و...

در مواردی که بهره‌گیری از این انتقال‌ها ضرورت می‌یابد، توجه به حاشیه‌نویسی اهمیت می‌یابد؛ زیرا به‌طور معمول این انتقال مفاهیم به‌صورت مستقیم و بدون واسطه جایز نبوده و لازم است اقتضائات زمانی، مکانی، ایدئولوژیک و... نوین لحاظ گردد. حاشیه‌نویسی در این صورت زمینه هم‌هنگ‌سازی و تولد مجدد مفهوم را در ساحت مقصد مدنظر مهیا کرده است؛ لذا الزامات پایداری نظریه را فراهم می‌آورد.

نمونه این انتقال مفهوم به‌لحاظ بُعد زمانی، مکانی و ایدئولوژیک، در دورانی از تحولات علوم اسلامی و در حدود قرون ۲ و ۳ هجری قابل توجه است. در این دوران، دانشمندان مسلمان برای پر کردن خلأ تئوریک بحث‌های فلسفی که لزوم آن احساس می‌شد، به مطالعه فلسفه یونان باستان رو آوردند. در پی این توجه و برای تفهیم بحث‌های فلاسفه یونان، اولاً جریانی به نام «نهضت ترجمه» شکل گرفت که با مشارکت عمومی، تعداد زیادی از کتب فلسفه یونان به عربی ترجمه شد.^{۱۷} ثانیاً در پی این نهضت، جریان حاشیه‌نویسی برای تجزیه، تحلیل و انطباق این سلسله مباحث با مفاهیم و علوم اسلامی شکل گرفت. به‌طوری که فلاسفه اسلامی توفیق یافتند که فلسفه یونان را که در ابتدا روی هم بیش از دویست مسئله نبود، در فلسفه اسلامی به بالغ بر هفتصد مسئله برسانند و بر پایه فلسفه یونان، فلسفه اسلامی را بنیان نهند. در این فرایند، علاوه بر تکامل این فلسفه، اصول، مبانی و طرق استدلال نیز دچار تحول شده است (مطهری ۱۳۷۱، ۳۶).

گاهی چنین انتقالی می‌تواند مبدع نظریه‌ای با اهمیت و تأثیر بیشتر نسبت به فکر اولیه در مبدأ باشد. بختر^{۱۸} فیلسوف آلمانی در مقاله‌ای که به‌صورت شرح در نظریه داروین نوشته، معتقد است که صورت اولیه‌ای از نظریه تطور و تنازع بقا تدوین شده توسط داروین در قرن ۱۹، توسط امپدوکلس^{۱۹} در قرن پنجم قبل از میلاد شکل گرفته بود؛ از این رو او را پدر اول داروینیسم می‌خواند (به‌نقل از همان، ۴۲-۴۳). نمونه دیگر در عرصه اندیشه‌های معماری، انتقال و بازتاب نظریات ویتروویوس معمار و نظریه‌پرداز رومی در قرن اول قبل از میلاد در نظریات آلبرتی معمار و نظریه‌پرداز دوره رنسانس است. «تئوری ویتروویوس در قرن پانزدهم توسط آلبرتی در قالب مفاهیم روز پرداخته شد تا پایه‌های تئوریک معماری رنسانس را بسازد» (آلسوپ ۱۳۷۱، ۱۶).

چنین انتقالی از اندیشه می‌تواند مایهٔ تحرک در دوره‌هایی از شکل‌گیری رکود نظری باشد. برای مثال کرتیس معتقد است که در دوره‌ای از رکود فکری و هنری در قرن نوزدهم میلادی، نهضت هنر نو^{۲۰} با اثرپذیری از اسلیمی‌های شرقی و باسمه‌های ژاپنی محقق شد. این نگاه جدید به‌صورت کلی شکل‌های پیچکی و گیاهی و با خطوطی مواج و رنگ‌هایی شفاف، نخست در هنرهای تزئینی به وجود آمد. از فرانسه و آلمان آغاز شد و سپس در مباحث معماری، نقاشی و پیکرتراشی نفوذ نمود و رواج بین‌المللی یافت. هدف اصلی این نهضت ابداع آثار نوظهور و رهایی از قید مقررات هنر مکتبی معمول در قرن نوزدهم بود (کرتیس ۱۳۸۲، ۱۵). مثال دیگر در بیان این نویسنده، ظهور شیوهٔ هنری کویسم در اوایل قرن بیستم است. به اعتقاد وی، این شیوهٔ هنری در نقاشی و پیکرتراشی، به‌عنوان یکی از منابع الهام خود از پیکرسازی بومیان آفریقا بهره می‌گیرد و اصول رسمی بازنمایی عالم خارج، اسلوب‌های متداول ژرف‌نمایی و تاریک و روشن‌کاری و سایه‌زنی را متحول می‌سازد (همان، ۱۵).

نکته‌ای که در این مرحله از بحث اهمیت می‌یابد، توجه به شرایط و مقتضیات مبدأ و مقصد در انتقال مفاهیم است. با این توجه، در «انتقال بین زمانی» مفهوم لازم است که جوهر بحث از مبدأ به مقصد دارای تطابق زمانی گردد. همچنین در «انتقال بین مکانی»، انطباق جغرافیایی، فرهنگی و... مطرح می‌شود و در «انتقال بین حوزهٔ علمی»، برقراری تناظر بین اصول و ویژگی‌های نظریهٔ علمی بین دو حیطهٔ مدنظر اهمیت می‌یابد. برای مثال در انتقال ویژگی نظیر اسلیمی یا شکل‌های انتزاعی پیچکی و گیاهی از هنر شرق به هنر غربی، توجه به نیازها و تطابق با مقتضیات بستر فکری و هنری اروپا کاملاً در نظر گرفته شد؛ چنان‌که کرتیس معتقد است روشی که هنر نو اتخاذ کرد، مرحله‌ای اساسی در وارستگی فکری و پالایش سبکی معماری مدرن تلقی می‌شود (همان، ۳۴).

لذا به نظر می‌رسد نقادی دقیق و شناخت و تسلط بر جوهر مفاهیم و همچنین خصوصیات مبدأ و مقصد در انتقال صحیح مفهوم بین ساحت‌ها محل تأمل است. حاشیه‌نویسی با اتکا به مشارکت جمعی صاحب‌نظران به‌عنوان بستر و محرک تحقق این نقادی مؤثر است.

۷. تبیین مفاهیم و روش‌های کاربردی حاشیه‌نویسی در معماری

پس از معرفی عمومی و طرح اهمیت، لزوم و فرایند حاشیه‌نویسی در مباحث معماری، در این بخش مواردی از مفاهیم و روش‌های کاربرد حاشیه‌نویسی در معماری معرفی می‌شود.

۱.۷. مفاهیم و تعاریف کلی حاشیه‌نویسی

مفاهیم کلیدی که نگارنده بر اساس استدلالات و تحلیل‌های عمومی ذکر شده در مقاله برای حاشیه‌نویسی ارائه می‌دهد، به تفکیک زیر تبیین می‌شود:

تعریف: اگر مطالعهٔ یک متن شامل خواندن، بررسی نقادانه و تأمل نکته‌سنجانه و به‌صورت تعامل فعال با متن در نظر گرفته شود، ضبط این تعامل فعال و نقد خواننده بر متن به‌صورت ثبت نکات مورد نظر او در این زمینه، حاشیه بر متن خواهد بود (نک: بخش ۱.۶).

فواید: در ابتدایی‌ترین مرحله، حاشیه‌نویسی علاقه به مطالعه را افزایش داده و مراجعهٔ بعدی به متن را نیز سهولت می‌بخشد و مطالعهٔ متن را از حالت مونولوگ خارج کرده، به‌صورت یک دیالوگ بین خواننده و نویسنده درمی‌آورد. به همین سبب در درک بهتر متن و ماندگاری آن در ذهن مؤثر است. در مراتب بعدی، حاشیه‌نویسی دارای فوایدی است که در بخش ۶ تا حدی به آن پرداخته شد. مفید و رئیس‌زاده معتقدند متن و حاشیه هر دو متحدند، در اولین مرحلهٔ وجود از میان مؤلفه‌های گوناگون ظهور می‌یابند. اما نکاتی در متن وجود دارد که شروع به حرکت می‌کنند و خود را می‌نمایند و در تأیید و تحکیم و انسجام متن، مورد توجه و مذاقه و حاشیه‌نویسی واقع می‌شوند. اما در هر حال حافظ ترکیب متن‌اند. سپس جوهری می‌شوند، یعنی متن را قابل فهم و تدقیق می‌سازند و آن را ارتقا و رشد می‌دهند و تولید ماورای متن بر اساس متن می‌کنند و احساس و ادراک شده یعنی تأویل می‌گردند و در نهایت متخیل شده موجب فهم ادراک فرامتنی می‌شوند. در این راستا حاشیه نکاتی را که در متن مغفول، مسکوت یا مقفول مانده‌اند به متن الحاق و

فک می‌کند. گاهی برخی متون می‌طلبند اقوال و آرای ابراز شده در این باب مجدداً نقل و مورد مذاقه قرار گیرند اما این بار با تدوین جدید و با رویکردهایی خاص که در آن غفلت‌های گذشته جبران و قفل‌های آن گشوده و فک شوند و گاه چنان ایجاب می‌کند که همه آنچه قبلاً ساخته و پرداخته شده با دیدگاهی جدید بازسازی گردد و بدین لحاظ تطبیق داده شوند. همچنین حواشی موجب می‌شوند تا متن پالایش شود، سیر تداوم یابد، بدین ترتیب اجزایش کاویده و تدقیق گردد و در عین حال از مستحدثات و عناوین نوین نیز بی‌بهره نماند. در این راستا و به هنگام اندماج متون با یکدیگر و همچنین به هنگام تحقیق نگره‌ای مهجور مانده، گاه ابتکارات و بدایعی عمیق و شگرف پدیدار می‌گردد که از این رهگذر متونی جدید از راه می‌رسند و هر چند که تکرار و ذکر منقولات پیشین در آن بسیار یافت می‌شود، هر متن بیش از ماتنی (نگارنده‌ای) را بر نمی‌تابد. حال آنکه کثیری از حاشیه‌نگاران از جنبه‌های گوناگون و در علوم مختلف و اطوار متفاوت، توضیحات و تعلقات و حواشی متعددی را ادراک می‌کنند که ماندگاری یک متن نه وابسته با ماتن یعنی والد متن که به محشیان، یعنی دایگان متن پیوستگی دارد که بر آن حق محیی دارند (مفید و رئیس‌زاده ۱۳۸۷، ۶۲۷-۶۲۹).

روش: تا آنجا که بررسی نمونه‌ها نشان می‌دهد اصول مشخصی برای حاشیه‌نویسی ذکر نشده است و این امر بیشتر حالت ذوقی و سلیقه‌ای دارد. در نتیجه، خلاقیت فردی در روش و ارائه حاشیه‌نویسی اهمیت بسزایی دارد. داشتن الگو و روش شخصی در حاشیه‌نویسی (نحوه بیان و شیوه حاشیه زدن) در حاصل کار بسیار مؤثر است. بنابراین طرح‌ریزی یک الگو برای حاشیه‌نویسی اهمیت می‌یابد.

هدف: آنچه در حاشیه زدن بر یک متن اهمیت پایه می‌یابد، «هدف» از حاشیه زدن است. در حاشیه‌نویسی اهداف متفاوتی را می‌توان پیگیری کرد و بسته به این هدف یا اهداف می‌توان به جزئیات پرداخت و یا کلیت، ایده‌ها و نکات اصلی متن را مورد توجه قرار داد. در هر صورت، داشتن هدف و سؤال مشخص در حاشیه زدن بسیار مهم است. مرور حاشیه‌ها پس از اتمام هر فصل کتاب و تکمیل و تصحیح مطالب آن با توجه به هدفی که از حاشیه زدن در نظر گرفته می‌شود، در پختگی حاشیه تأثیر بسزایی دارد. از این رو حاشیه می‌تواند در توضیح و تأیید یا رد مطالب متن باشد. برای مثال رساله چندصفحه‌ای *سبیل الارشاد حکیم مؤسس*، مرحوم آقا علی مدرس طهرانی، که در آن با نظریاتی از ملاصدرا در اسفار مخالفت می‌ورزد و همچنین حواشی چندسطری آن مرحوم بر موضوعی از اسفار، که بعضاً متضمن اشکالاتی بر متن است، نیز نمونه‌ای دیگر از عدم قبول متن و ایراد اشکال بر آن در حاشیه است (همان، ۶۳۰).

اعتبار حاشیه: اعتبار حاشیه در درجه اول به میزان منطقی بودن و اقناع منطقی آن و در درجه دوم به میزان اعتبار و صاحب‌نظری حاشیه‌نویس در موضوع متن بستگی دارد. قاعدتاً نظر یک خبره فی‌حد ذاته قابل توجه است. **شرایط محشی (حاشیه‌زننده) و تعدد حاشیه:** تا جایی که بررسی نگارنده بر اساس نمونه‌ها نشان می‌دهد، محدودیتی برای حاشیه زدن از نظر فرد حاشیه‌زننده و یا تعداد حاشیه وجود ندارد و هر کس می‌تواند به میل و نظر و روش خود بر هر متنی حاشیه زند. حتی در مواقعی خود نویسنده ممکن است نسبت به متن اولیه خود، حاشیه‌ای نگارش و الحاق کند. اگرچه هر کس می‌تواند در موضع محشی قرار گیرد، در مقام مراجعه به حاشیه قاعدتاً حاشیه افرادی مورد توجه واقع می‌شود که از نظر علمی درباره موضوع متن صاحب‌نظر و صاحب‌اعتبار باشند. حاشیه بقیه افراد می‌تواند بازتاب نظر شخصی ایشان باشد و از این بعد، به‌منظور بسترسازی، فرایندی چون تضارب آراء واجد ارزش است. این مسئله در تاریخ قابل مشاهده است که گاه حاشیه برخی از متون از اعتباری همسان با آن متون و یا حتی اعتباری بیش از آن متون برخوردار شده است. برای مثال می‌توان روش علما و مراجع حوزوی در حاشیه بر کتاب *عروة الوثقی*^{۳۱} را نام برد. روش حوزه بر آن است که هر مجتهدی برای انتشار رساله عملیه خود به‌جای تألیف یک رساله فقهی، بر کتاب *عروه حاشیه* می‌زند و این حاشیه بدون متن اصلی انتشار می‌یابد. قاعدتاً در مقام مراجعه و توجه افراد و صاحب‌نظران، تنها حواشی افراد اعلم مورد توجه واقع می‌شود. مثال دیگر، حاشیه مرتضی مطهری بر کتاب *اصول فلسفه و روش رئالیسم* اثر علامه طباطبایی است. در این حاشیه، مرتضی مطهری به توضیح بعضی

قسمت‌ها پرداخته و یا بر اساس استنباط شخصی و با ضمانت شخص خود بخش‌هایی را اضافه کرده است (مطهری، ۱۳۷۱، ۳۹). حجم حاشیه نگاشته شده در این مورد چند برابر حجم متن اصلی است و در عین حال حاشیه از اعتباری برابر با متن در نزد اهل فن برخوردار است. بدین ترتیب باید گفت که درباره حجم یا تعدد حاشیه محدودیتی وجود ندارد. چنان‌که ذکر شد ممکن است حجم حاشیه چند برابر حجم اصلی بوده که این می‌تواند ناشی از پیچیدگی متن اولیه و یا تلاش حاشیه‌زننده در بسط و توضیح مفاهیم درون متن باشد. البته درباره تعدد حاشیه باید توجه داشت که حتی الامکان از تکرار نظریات مشابه حذر کرد. شاید در چنین مواردی ذکر مقدمه‌ای که نظر محشی را به‌طور کلی در مورد متن روشن کرده است و مانع تکرار نظرات می‌گردد، مفید واقع شود.

نکته دیگر در این مقال و مقام موضع اعتقادی و فکری حاشیه‌زننده است. از آنجایی که محدودیتی برای شرایط حاشیه‌زننده قائل نشده‌اند هر کسی با هر اعتقادی می‌تواند به متون مورد نظر خود حاشیه بزند. بدیهی است که موضع حاشیه‌زننده در اظهار نظر او مؤثر می‌افتد. آنچه در این بحث اهمیت می‌یابد، آگاهی خواننده حاشیه از موضع محشی است.

۲.۷. راهکارهای حاشیه‌نویسی

در این بخش از نوشتار، نگارنده بر اساس بررسی عمومی به محتوا و موضوع حاشیه در مبحث اول، چهل راهکار برای حاشیه‌نویسی تحت عناوین حاشیه‌های هم‌نوا با متن، حاشیه‌های در تبیین با متن و حاشیه‌های در تکمیل متن آورده شده است. این عناوین گویای هدف و موضع حاشیه‌نویس نسبت به متن است. نویسنده در این بخش بر اساس بررسی نمونه‌های موجود تاریخی و معاصر، انواع روش‌های موجود و ممکن تعامل با متن را دسته‌بندی و توسعه داده است. بر این اساس، راهکارهای مؤثر و کاربردی حاشیه‌نویسی در معماری استخراج و استنباط شده است.

۲.۷.۱. محتوا و موضوع حاشیه‌نویسی (چهل راهکار برای حاشیه‌نویسی)

الف. حاشیه هم‌نوا با متن

۱. ذکر نکات مهم و برجسته متن
۲. ذکر خلاصه و چکیده متن
۳. تشخیص و تعیین کلیدواژه‌های متن
۴. طرح مسائل متن به صورت سؤال (برای تأکید بر نکات و ایجاد انگیزه برای به‌خاطر سپاری متن)
۵. ذکر مطالب مفید متن درباره مبحث خاص
۶. دسته‌بندی مطالب متن
۷. بیان ساختار متن
۸. ذکر اهمیت و هدف متن
۹. ارائه جوهر یا جان کلام متن
۱۰. ارائه دلیل و استدلال برای مطالب متن
۱۱. شرح و بسط متن / توضیح مطالب متن
۱۲. ارائه متن به بیان دیگر
۱۳. مفهوم کردن متن نامفهوم
۱۴. نتیجه‌گیری از متن
۱۵. ذکر مثال یا مصداق مشخص و عینی برای متن
۱۶. تبیین موارد کاربرد متن

در تصویر (۱) جورج برد در حاشیه متنی از کتاب معنا در معماری، حاشیه‌ای هم‌نوا با متن اضافه می‌کند. در این خصوص او به ذکر اهمیت و ضرورت متن از دیدگاه خود می‌پردازد (راهکار ۸).

But the main point of the semiological triangle is that there are simply relations between language, thought and reality. One area does not determine the other, except in rare cases, and all one can really claim with conviction is that there are simply connections, or correlations.⁹ Unfortunately more is claimed, much more. In fact the behaviourists hold that reality determines both thought and language and the Whorfians that language determines the other two, whereas the Renaissance Platonists claimed that thought is determinant. Each semiologist points the arrows in the direction he believes in, but, as the diagram shows, the relations are always two-way and never absolute.

A moment's reflection on the history of architecture will elicit the relative autonomy of one area from another. Gothic form, for example, evolved and changed over two hundred years without the content drastically altering. Then the Renaissance reinterpreted the content of Gothic—calling it barbaric, ugly, irrational—without changing either the form or the objects. Or, in our own age, the correlations have undergone an equally radical inversion. For instance the Pop theorists and artists decided to change the pre-existing relation between form and content, calling all the previous detritus and trivia significant and vice versa. In any new movement, by definition, the pre-existing relations have to be destroyed and also, by definition, the older generation annoyed (even

BAIRD: The 'semiological triangle' strikes me as a brilliant construction, in the way it accommodates and explains so many historical positions so clearly. And I know of no observer previous to Jencks, who has seen the three corners of the triangle as having equal weight.

متن اصلی

اما اصلی‌ترین نکته در مثلث نشانه‌شناسی این مسئله است که ارتباط ساده‌ای میان زبان، اندیشه و واقعیت وجود دارد. هر حوزه به‌طور مستقیم، معین‌گر حوزه دیگر جز در مواقع خاص نمی‌تواند باشد. و چیزی که با قاطعیت می‌توان بیان کرد این است که این اتصالات و تأثیرگذاری‌های متقابل به سادگی و روانی صورت می‌پذیرد.

مثلث نشانه‌شناسی از نگاه من به‌عنوان یک ساختار هوشمندانه تأثیرگذار است. از این بابت که توضیح بسیاری از موقعیت‌های تاریخی را به‌وضوح ارائه می‌کند. در عین حال من با جنکز که مفاهیم رئوس مثلث را هم‌وزن دیده است هم‌عقیده نیستم.

ترجمه متن

تصویر ۱: نمونه‌ای از نگارش حاشیه هم‌نوا با متن از جورج برد بر مقاله «نشانه‌شناسی و معماری» از چارلز جنکز (Jencks and Baied, 1969, 16)

در تصویر (۲)، گروت و وانگ در حاشیه مطالب خود در کتاب روش‌های تحقیق در معماری، حاشیه‌هایی هم‌نوا با متن اضافه می‌کنند. آن‌ها در قالب تعریف‌شده‌ای، نمونه‌ها و مصداق‌های عینی از تحقیقات صورت‌گرفته مرتبط با متن را در کادرهایی با رنگ‌های خاکستری تحت عنوان خانه^{۲۳}، در جای‌جای کتاب خود الحاق می‌کنند (راهکار ۱۵).

ب. حاشیه در تبیین با متن

۱۷. نظر مخالف یا ضدیت با متن
 ۱۸. ذکر دیدگاه‌های مغایر با دیدگاه متن
 ۱۹. ذکر شرایط، محدودیت‌ها یا عوامل مداخله‌گر برای موضوع متن
 ۲۰. ذکر موارد استثنای متن
 ۲۱. ذکر نقاط قوت و ضعف در زمینه ایده متن
 ۲۲. ذکر نقایص متن
 ۲۳. ذکر تناقض‌های متن
 ۲۴. ذکر نکات مبهم متن
 ۲۵. تصحیح متن
 ۲۶. طرح سؤالاتی درباره متن به‌صورت پرسش‌هایی که پاسخ آن‌ها در متن نیست.
- در تصویر (۳) جورج برد در حاشیه متنی از کتاب معنا در معماری، حاشیه‌ای در تبیین با متن اضافه می‌کند. در این مورد او به ذکر دیدگاهی غیر از دیدگاه متن می‌پردازد (راهکار ۱۸).

It is the style that St. Bernard found to be "most offensive." The St. Denis period, on the other hand, is "serene and calm. . . . Clarity and simplification is noticeable throughout," reflective of the Platonic quest of an ideal world. Lastly, Simon's argument is built upon anecdotal evidence: letters between St. Bernard and Roger.¹⁶ "Bernard addresses Roger as his 'dearest and most intimate friend, and unable to visit him, he requests the dying man's blessing."¹⁷

6.5.5 Inferential Evidence

Sometimes, by proximity of data, by reasoned interpretation, or by other logical deductions, one proposition is pushed as very likely to be linked with another proposition, even though "hard" connections may not be available. Consider this Wright's Robie House is one of this century's most photographed works of architecture, but for a study on how the house came to be, the photograph of Frederick Robie in his Robie Cycle Car may be more informative than photographs of the house itself. David Hoffman's study of the house benefits greatly by inclusion of a photograph of the car (Hoffman's son is credited The Flammarion Story of an Architectural Masterpiece¹⁸). Robie's car speaks to the kind of man that would be attracted to the Robie House: an industrialist connected with what technology can provide in the way of objects that ensure progress—and one that should be embraced then.



Figure 6.10 Frederick Robie, with driver, in the Robie Cycle Car, designed and built around years before the construction of the Robie House. The photograph helps one understand the man who would have a taste for such integrated technology systems, an attached garage, and industrial steel construction. Courtesy Park Drive Wright Preservation Trust.

BOX 6.3

The Use of Inference in Researching the Work of Kirtland Cutter

A useful approach to research on the work of Kirtland Cutter is to look at the work of other architects who were active during the same period. . . . The work of Kirtland Cutter is often studied in the context of the work of other architects of the same period. . . . The work of Kirtland Cutter is often studied in the context of the work of other architects of the same period. . . . The work of Kirtland Cutter is often studied in the context of the work of other architects of the same period. . . .



Figure 6.14 The 'Cutter' building, designed by Kirtland Cutter (1810-1870), and built by Matthews in the 1840s.



Figure 6.18 The 'Cutter' building, designed by Kirtland Cutter (1810-1870), and built by Matthews in the 1840s.

متن اصلی

حاشیه، این سبک است که من بر روی آن (و همچنین از آن) استفاده می‌کنم. این سبک، در آن زمان، بسیار رایج بود. . . . این سبک، در آن زمان، بسیار رایج بود. . . . این سبک، در آن زمان، بسیار رایج بود. . . . این سبک، در آن زمان، بسیار رایج بود. . . .

حاشیه ۳-۶

کاربرد استنباطی در پژوهش (از کیرتلند کاتر (Kirtland Cutter))

مقاله دیگری را مطالعه کردم و در آنجا دیدم که چگونه می‌تواند که طرح اولیه کاتر برای طراحی ساختمان مشخص (۱۸۴۷) احتمالاً توسط کاتر طراحی شده باشد. . . . این سبک، در آن زمان، بسیار رایج بود. . . . این سبک، در آن زمان، بسیار رایج بود. . . . این سبک، در آن زمان، بسیار رایج بود. . . .



Figure 6.14 The 'Cutter' building, designed by Kirtland Cutter (1810-1870), and built by Matthews in the 1840s.



Figure 6.18 The 'Cutter' building, designed by Kirtland Cutter (1810-1870), and built by Matthews in the 1840s.

ترجمه

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی شماره ۱۶ - پاییز و زمستان ۹۸ ۲۵۹



Figure 6.10 Frederick Robie, with driver, in the Robie Cycle Car, designed and built around years before the construction of the Robie House. The photograph helps one understand the man who would have a taste for such integrated technology systems, an attached garage, and industrial steel construction. Courtesy Park Drive Wright Preservation Trust.

تصویر ۲: نمونه‌ای از حاشیه هم‌نوا با متن از گروت و وانگ

مآخذ متن اصلی: (Groat and Wang 2002, 157-158)، مآخذ ترجمه متن: (گروت و وانگ ۱۳۸۴، ۱۵۷-۱۵۸)

This is perhaps the most fundamental idea of semiology and meaning in architecture: the idea that any form in the environment, or sign in language, is motivated, or capable of being motivated. It helps to explain why all of a sudden forms come alive or fall into bits. For it contends that, although a form may be initially arbitrary or non-motivated as Saussure points out,¹ its subsequent use is motivated or based on some determinants. Or we can take a slightly different point of view and say that the minute a new form is invented it will acquire, *inevitably*, a meaning. 'This semantization is inevitable; as soon as there is a society, every usage is converted into a sign of itself; the use of a raincoat is to give protection from the rain, but this cannot be dissociated from the very signs of an atmospheric situation'.² Or to be more exact, the use of a raincoat can be dissociated from its shared meanings if we avoid its social use or explicitly decide to deny it further meaning.

It is this conscious denial of connotations which has had an interesting history with the avant-garde. Annoyed either by the glib reduction of their

BAIRD: It need not even be 'invented'; all it has to do is get noticed.

BAIRD: I don't agree about the efficacy of these 'explicit decisions'. Meanings are not 'voted down', or controlled by elites (Barthes is wrong about that; I feel, even for the elite world of haute couture). The only way meanings dissolve is through atrophy, across a whole social totality.

این احتمالاً کلیدی‌ترین ایده در نشانه‌شناسی و معنا در معماری است: هر شکلی در محیط، یا علامتی در زبان موجب ایجاد انگیزه است یا این توانایی را دارد. این موضوع کمک می‌کند تا در زمینه علت اینکه چرا شکلی تصادفی زنده می‌شوند یا از بین می‌روند توضیح داده شود. همچنین بر این اساس می‌توان گفت اگرچه فرمی ممکن است در حالت اولیه اتفاقی باشد یا موجب انگیزه نباشد، همان گونه که سوسور اشاره می‌کند «کاربرد مکرر آن موجب ایجاد انگیزه است یا بر همان قصد متکی خواهد بود.» همچنین می‌توانیم تا حدی دیدگاه متفاوتی را مطرح کنیم به این صورت که در لحظه‌ای که فرمی متولد می‌شود، ناگزیر نیازمند معناست. «این معنادار کردن گریزناپذیر است. در همان زمان که جامعه‌ای موجود می‌شود، هر کاربردی به علائم خاص خود میل می‌شود. کاربرد بارانی برای محافظت از باران است. اما این نمی‌تواند به صورت علامت خاص از فضای شکل‌گیرنده خود منفک شود.» اگر بخواهیم دقیق‌تر بیان کنیم، کاربرد بارانی می‌تواند از معنای مشترک خود منفک شود چنانچه از کاربرد اجتماعی آن احتراز نموده یا اینکه بخواهیم به‌صراحت معنای دیگر آن را انکار کنیم.

حتی لازم نیست که فرم ابداع شود. فقط کافی است مورد ملاحظه قرار گیرد.

من با کارایی این «تصمیمات صریح» موافق نیستم. معناها به‌واسطه روشنفکران کنترل نمی‌شوند. (بارتز در این زمینه دچار اشتباه شده است. من احساس می‌کنم حتی برای دنیای روشنفکران چنین است). تنها راهی که معنا دچار انحلال می‌شود، به‌واسطه نقصان و انحلال در کلیت جامعه است.

تصویر ۳: نمونه‌ای از نگارش حاشیه در تباین با متن از جورج برد بر مقاله «نشانه‌شناسی و معماری» از چارلز جنکز (Jencks and Baird 1969, 11)

ج. حاشیه در تکمیل متن

۲۷. ارائه ساختاری دیگر برای متن
 ۲۸. انتزاع یک مفهوم از متن
 ۲۹. پاسخ به سؤال یا سوالات یک متن
 ۳۰. طرح مطالبی جدید درباره موضوع متن
 ۳۱. ذکر قراین و شواهدی برای متن به‌صورت مقایسه‌ای (مثلاً دو اتفاق تاریخی قرینه)
 ۳۲. تکمیل مطالب یا بیان نکته یا نکات مغفول مانده در متن
 ۳۳. ارجاع به منبعی دیگر درباره موضوع متن
 ۳۴. تأویل متن
 ۳۵. قیاس متن با متن یا متون دیگر و ذکر موارد اشتراک و افتراق آن‌ها
 ۳۶. تعمیم متن به سایر موارد موضوع
 ۳۷. ذکر ارتباط و پیوند موضوع متن با یک موضوع دیگر
 ۳۸. انتقال مفهوم متن برای یک زمینه دیگر یا تعمیم موضوع متن به موضوعات دیگر
 ۳۹. ذکر معادل واژه‌ای از متن (در یک زبان یا از زبانی به زبان دیگر)
 ۴۰. تبدیل و معادل‌سازی مقیاس‌ها و تاریخ‌ها
- در تصویر (۴) جورج برد در حاشیه متنی از کتاب *معنا در معماری*، حاشیه‌ای در تکمیل متن اضافه می‌کند. در این به او با ذکر متنی دیگر، به قیاس متن می‌پردازد (راهکار ۳۵).

work to its social meanings or the contamination of the strange by an old language, they have insisted on the intractability of the new and confusing. 'Our League of Nations symbolizes nothing' said the architect Hannes Meyer, all too weary of the creation of buildings around past metaphors. 'My poem means nothing; it just is. My painting is meaningless. Against Interpretation: The Literature of Silence. Entirely radical.' Most of these statements are objecting to the 'inevitable semantization' which is trite, which is coarse, which is too anthropomorphic or old. Some are simply nihilistic and based on the belief that any meaning which may be applied is spurious; it denies the fundamental absurdity of human existence. In any case, on one level, all these statements are paradoxical. In their denial of meaning, they create it. This may account for the relative popularity among the avant-garde of the Cretan Liar Paradox, the Cretan who says 'All Cretans are liars'. It seems as if the statement is true, then it is false; if false then true. A very enjoyable situation, to some the essence of life. Yet by expanding the statement and avoiding its self reference the paradox can be avoided. Thus Hannes Meyer's statement might read: 'Our League of Nations symbolizes something, and that something is nothing'. I say might read, because it is quite apparent from the context in which he made the remark that he meant that his building symbolized not all

◀ BROADBENT: See also Stravinsky: '... I consider that music is, by its very nature, powerless to express anything at all, whether a feeling, an attitude of mind, a psychological mood, a phenomenon of nature, etc. ...' An Autobiography, 1936.

من
اصول

...
هانس می‌یر معمار می‌گوید: «طرح اتحادیه ملل ما چیزی را نمادسازی نمی‌کند.» او از خلق بناها بر اساس استعارات گذشته خسته شده است. «شهر من معنای خاصی ندارد. همان است که هست. نقاشی من بدون معناست. مسیری برخلاف تعبیر به صورت ادبیات سکوت کاملاً افراطی.» اکثر این اظهارات با «معنادار کردن گریزناپذیر» در تضاد است که به نظر می‌رسد خشن و قدیمی است.

در این زمینه می‌توانید به بیان استراوینسکی مراجعه کنید: «... از دیدگاه من موسیقی در ذات خود از اینکه بیانگر چیزی باشد ناتوان است. چه احساس باشد یا نگرشی از ذهن، حالتی روانشناسانه، پدیده‌ای از طبیعت و...» زندگی‌نامه، ۱۹۳۶.

من
اصول

تصویر ۴: نمونه‌ای از نگارش حاشیه در تکمیل متن از جورج برد بر مقاله «نشانه‌شناسی و معماری» از چارلز جنکز

(Jencks and Baird 1969, 12)

۳.۷. جلوه بیرونی حاشیه‌نگاری

حاشیه بر متن می‌تواند به صورت نوشتاری یا با بهره‌گیری از صور گرافیکی تحقق پذیرد. گاه می‌توان با تصور اثر معماری به عنوان یک متن حاشیه را از جنس نمودی از توسعه یا بازنمایی اثر معماری پیگیری کرد.

۱.۳.۷. حاشیه‌نویسی به صورت نوشتاری

در جهت حاشیه‌نویسی به صورت نوشتاری از راهکارهای زیر می‌توان بهره برد:

۱. علامت‌گذاری در متن و نوشتن متن در حاشیه یا زیر متن به صورت مرتب و با نظم منطقی و بصری؛
۲. ارائه حاشیه در جایی به جز صفحه مربوط به آن، مراجعات بعدی به حاشیه را دشوار و خسته‌کننده می‌کند. این امر تنها در مواردی توصیه می‌شود که یا در صفحه اصلی متن جایی برای حاشیه‌نویسی وجود نداشته باشد و یا متن حاشیه بیش از ظرفیت صفحه متن باشد. در این صورت می‌توان حاشیه‌ها را در صفحه جداگانه‌ای بعد از صفحه مرجع یا در انتهای فصل مربوط و یا در انتهای کتاب ذکر کرد.
۳. از نوشتن و یا کشیدن خط در متن باید پرهیز شود؛ زیرا ممکن است استفاده از متن را برای دیگران ناخوشایند نموده و در خلاقیت آنان تأثیر منفی دارد.
۴. در حاشیه نوشتاری، الزامی به استفاده از جمله نیست و می‌توان از کلمه (اصلی یا مهم) یا عبارت استفاده کرد.
۵. استفاده از لغات زیبا (به لحاظ فرم، آهنگ و معنی) در حاشیه‌نویسی برای تأثیر ذهنی بیشتر توصیه می‌شود.
۶. استفاده از شعر، اصطلاح، ضرب‌المثل و یا جملات مشهور مانند شعارها، آیات و کلمات قصار بزرگان (به دلیل اجماع عمومی که درباره آن‌ها وجود دارد)، انتقال و تثبیت مفهوم را تسریع می‌بخشد.
۷. برای حاشیه‌نویسی بهتر است از مداد استفاده شود تا در صورت نیاز به اصلاح یا تغییر، صفحه اصلی متن نازیبی نشود. تفاوت رنگ حاشیه از متن نیز توصیه می‌شود. (در این راستا حاشیه بهتر است کمرنگ‌تر از متن باشد.)
در نمونه تصویر (۵)، جذبی در حاشیه ترجمه متن رساله طاق و ازج، به صورت ذکر توضیحات در پانویس متن و همچنین ارائه ضامم، نوشتارهای تکمیلی ارائه می‌کند.

ضمیمه اول: فرمولهای محاسباتی

الف - فرمولهایی که در محاسبات هندسی به صورت امروزه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

$$1. \text{تسبیت محیط دایره به قطر آن مقداری است ثابت که با حرف یونانی } \pi \text{ نمایش داده می‌شود.}$$

$$\frac{C}{TR} = \frac{C}{D} = \pi^{(1)}$$

۲. طول محیط دایره برابر است با حاصلضرب قطر دایره (دو برابر شعاع) در عدد π که اگر قطر دایره را برابر واحد بگیریم، محیط آن دایره مساوی عدد π خواهد بود. یعنی عدد π برابر است با اندازه محیط دایره‌ای که قطر آن واحد باشد:

$$C = \pi D = 2\pi R$$

$$\text{اگر } D=1 \text{ باشد}$$

$$C = \pi^{(2)}$$

۳. مساحت دایره برابر است با حاصلضرب مجذور شعاع در عدد π و به عبارت دیگر مساوی است با مربع قطر در عدد π (نست محیط به قطر) و بالاخره مساوی است با محیط دایره و نصف شعاع:

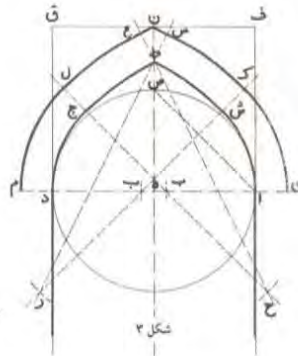
$$A = \pi R^2 = \frac{\pi}{4} D^2 = \pi D \frac{R}{2}$$

۴. طول قوس یا محیط قطاع مساوی است با محیط دایره تقسیم بر سینوس دو برابر زاویه مرکزی یا به عبارت دیگر مساوی با حاصلضرب قطر دایره در نسبت محیط به قطر، تقسیم بر سینوس دو برابر زاویه مرکزی یا به عبارت دیگر مساوی با حاصلضرب طول قوس در نصف شعاع، یا به عبارت دیگر مربع نصف قطر، ضرب در نسبت محیط به قطر (π)، تقسیم بر سینوس دو برابر زاویه مرکزی قوس:

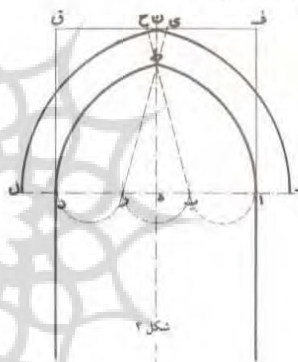
$$l = \frac{C}{360} \alpha = \frac{D \cdot \pi}{360} \alpha$$

۵. مساحت قوس یا مساحت قطاع مساوی است با حاصلضرب طول قوس در نصف شعاع، یا به عبارت دیگر مساوی است با یک چهارم مربع قطر، ضرب در نسبت محیط به قطر، تقسیم بر سینوس دو برابر زاویه قطاع، و یا به عبارت دیگر مربع نصف قطر، ضرب در نسبت محیط به قطر (π)، تقسیم بر سینوس دو برابر زاویه مرکزی قوس:

$$A = l \frac{R}{2} = \frac{\pi D^2}{360 \cdot 4} \alpha = \frac{\pi R^2}{360} \alpha \left(\frac{\pi R^2}{360} \alpha \right)$$



شکل ۳: این روش برای طراحی بزرگ و خیلی بزرگ که دهانه آنها بیش از ده باغ^{۱۴} باشد مناسب است.



شکل ۴

روش سوم

از نقطه ه وسط دهانه طاق، عمود هـن را خارج می‌کنیم و روی آن هـص را معادل ا هـجدا می‌کنیم، روی ا هـبه اندازه $\frac{1}{2}$ آن نشان می‌کنیم تا نقطه بی به دست آید، حال قوس دج را به مرکز بی و شعاع بیاد رسم می‌نماییم و به همین ترتیب قوس جـل را با شعاع بیاد به اضافه د م (ضخامت طاق) و معادل $\frac{1}{2}$ محیط دایره رسم می‌کنیم، سپس خط بی ج را کشیده آن را از طرف بی به اندازه ا هـص (زیر مربع دایره) امتداد می‌دهیم تا نقطه ح به دست آید، و به مرکز ح و طول ح ج قوس ج هـط را می‌کشیم تا عمود و متساوی خط را قطع کند و سپس خط ح ط را تا نقطه ج معادل د م (ضخامت طاق) ادامه می‌دهیم و قوس ل را با شعاع ح ل رسم می‌نماییم، و از نقطه ج عمود و را از ط هـج خارج می‌کنیم تا هـن را قطع کند و با کشیدن مستطیل هـن قـد رسم نصف طاق را تمام می‌نماییم و به همین ترتیب نصف دیگر طاق را رسم می‌کنیم (شکل ۳) این روش برای طراحی بزرگ و خیلی بزرگ که دهانه آنها بیش از ده باغ^{۱۴} باشد مناسب است.

روش چهارم:

دهانه طاق را به سه قسمت مساوی تقسیم کرده، نقاط بی و و را نشان می‌کنیم، بعد به مرکز بی و طول بی د قوس و ط را و به مرکز و طول و را قوس اط را می‌کشیم، سپس خطوط بی ط و ط و را رسم کرده تا نقاط ح و ی به اندازه ضخامت طاق امتداد می‌دهیم، همچنین قطر ا د را از هر طرف به اندازه ضخامت طاق ادامه می‌دهیم تا نقاط ل و ل به دست آید.

۱۴. باغ و سارواست با طول سرانگشت میانی دست راست تا سرانگشت میانی دست چپ هر حالی که دوست به طرفین کشیده شده باشند، در اندازه‌های قسیم فراخ معادل فاصله سرانگشت میانی تا آرنج دست و باغ معادل فاصله سرانگشت میانی دست راست تا سرانگشت میانی دست چپ وقتی که دو دست طرفین کشیده شده باشند، بر این موده طولی گوید. هر که نزدیک من آید فراخ من بزدان گرم سوی او (به سوش) باغ باغ و بالاخره درج میانی به معیار امروزه معادل ۱/۲ متر است.

متن اصلی

حاشیه به صورت ارائه پانویس (محشی: سید علی‌رضا جنیدی)

تصویر ۵: نمونه‌ای از نگارش حاشیه به صورت پانویس و ارائه ضمیمه (کاشانی ۱۳۶۶، ۲۹ و ۴۲)

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی

شماره ۱۶ - پاییز و زمستان ۹۸

۳۶۲

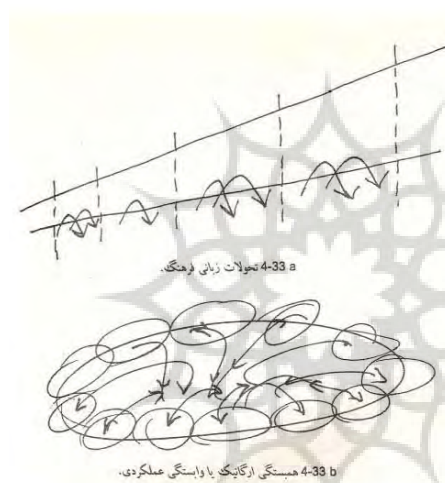
۲.۳.۷. حاشیه‌نویسی به صورت ترسیم گرافیکی

حاشیه می‌تواند به صورت تصویری و گرافیکی ارائه شود. استفاده از کروکی و طرح، دیاگرام، جدول، علائم (مانند علائم ریاضی و سجاوندی)، کاریکاتور، نشانه‌های اختصاری و... نمونه‌هایی از روش‌های گرافیکی برای حاشیه‌نویسی است. یادداشت‌های بصری ابزار گرافیکی ساده‌ای برای نوشتن است و برای ثبت اطلاعاتی به کار می‌رود که بصری باشند و با کلمات امکان ثبت کامل آن‌ها میسر نباشد. یادداشت بصری تأثیرات عمیق‌تری نسبت به یادداشت نوشتاری دارد؛ زیرا زبان نوشتاری دارای محدودیت‌هایی است. بعضی از ایده‌ها هستند که با تصویر گرافیکی روان‌تر انتقال می‌یابند. یادداشت گرافیکی در کنار نوشتار چنان غنا و ادراکی را می‌تواند فراهم کند که با غیر از آن قابل دسترس نباشد (کرو و لازیو ۱۳۷۸). علاوه بر این‌ها گاهی استفاده از گرافیک در حاشیه‌نویسی باعث می‌شود تا از مطول شدن حاشیه جلوگیری شده و ایجاز و اختصار در حاشیه‌نویسی رعایت شود. در نتیجه در حاشیه در حد حوصله خواننده ارائه خواهد شد. تصاویر گرافیکی می‌توانند انعکاسی از افکار باشند. کتاب اسکیس لوکوربوزیه، نمونه الهام‌بخشی از دیالکتیک آشکار بین افکار و تصاویر است. یادداشت‌های بصری مانند یادداشت‌های نوشتاری می‌توانند معانی را ثبت کنند (همان، شش). یادداشت‌برداری بصری افکار می‌تواند مفاهیم و ایده‌ها را به ما برگرداند. در این حین، این تصاویر می‌تواند جرقه‌های جدیدی در ذهن به وجود آورد که حاصل نظم بخشیدن به مفاهیم اولیه هستند. جمع‌آوری، انتخاب، طبقه‌بندی و بیرون‌ریختن

این تصاویر ممکن است تداعی‌های جدیدی از موضوع را نمودار کند و به فهم عمیق‌تر نسبت به یک مشاهده سطحی و ظاهری دست یابد (همان، ۳-۴). داندیس در کتاب سواد بصری، سه سطح از پیام‌های بصری را توصیف می‌کند: این سه سطح عبارت‌اند از بازنمایی، تجریدی و سمبلیک. بازنمایی ثبت صحیح آن چیزی است که قابل دیدن یا بیان است. تجرید در بیان بصری را می‌توان به صورت ساده‌سازی در جهت یک معنی پرشورتر و چکیده‌تر در نظر گرفت. سمبلیسم، ساده‌سازی پیام‌های بصری است. اما از تصاویر جانشین و مبدل برای چیزهایی که واقعا دیده نمی‌شوند، استفاده می‌کند (به نقل از همان، ۷ و ۹). این ویژگی‌ها با مفاهیم کاربردی حاشیه‌نویسی هماهنگ بوده و در این راستا قابل بهره‌برداری است. در تصویر (۶)، نمونه‌ای از حاشیه گرافیکی ارائه شده است.

حاشیه (محتسی: کرو و لازبو)

متن (ماتن: کنت ای، مور و امیل دورکهایم)



«کنت ای. مور معتقد است که فرهنگ را می‌توان به صورت فرایند (تحولات زبانی) یا به صورت ساختار (رویدادهای هم‌زمان) بررسی کرد. نمودار اول به صورت حاشیه ارائه شده بر این مطلب ذکر شده توسط کرو و لازبو، فرهنگ را به صورت یک فرایند تصویر می‌کند. فرهنگ‌های ملی هم‌عصر متمایل به آغازی کوچک‌تر و گسترش در طول زمان هستند. خطچین‌ها دوره‌های مختلف را از یکدیگر جدا می‌کند. مثلاً دوره یک‌جانشینی، دوره توسعه، دوره صنعتی‌شدن و شهرنشینی، دوره قدرت جهانی و... فرهنگ در این نمودار به شکل فرایندی نشان داده شده است که می‌توان آن را جدا از انسان بررسی کرد.»

در رویکرد مقابل، «دیدگاه وحدت ارگانیک یک اصطلاح نظری از امیل دورکهایم است که می‌گوید: یکپارچگی یک جامعه ناشی از همه مردم است. یک کارکرد اجرایی به همه فایده می‌رساند. بنابراین بسیاری از حرفه‌های تخصصی متمم یکدیگرند. این متفاوت از وحدت مکانیکی است که مشخصه جوامع ساده است که در آن تنها یک نوع تقسیم‌بندی جنسی کار وجود دارد.»

من: اصلی

تصویر ۶: نمونه‌ای از نگارش حاشیه به صورت گرافیکی (کرو و لازبو ۱۳۷۸، ۱۳۲)

۴.۷. حاشیه معماری بر معماری

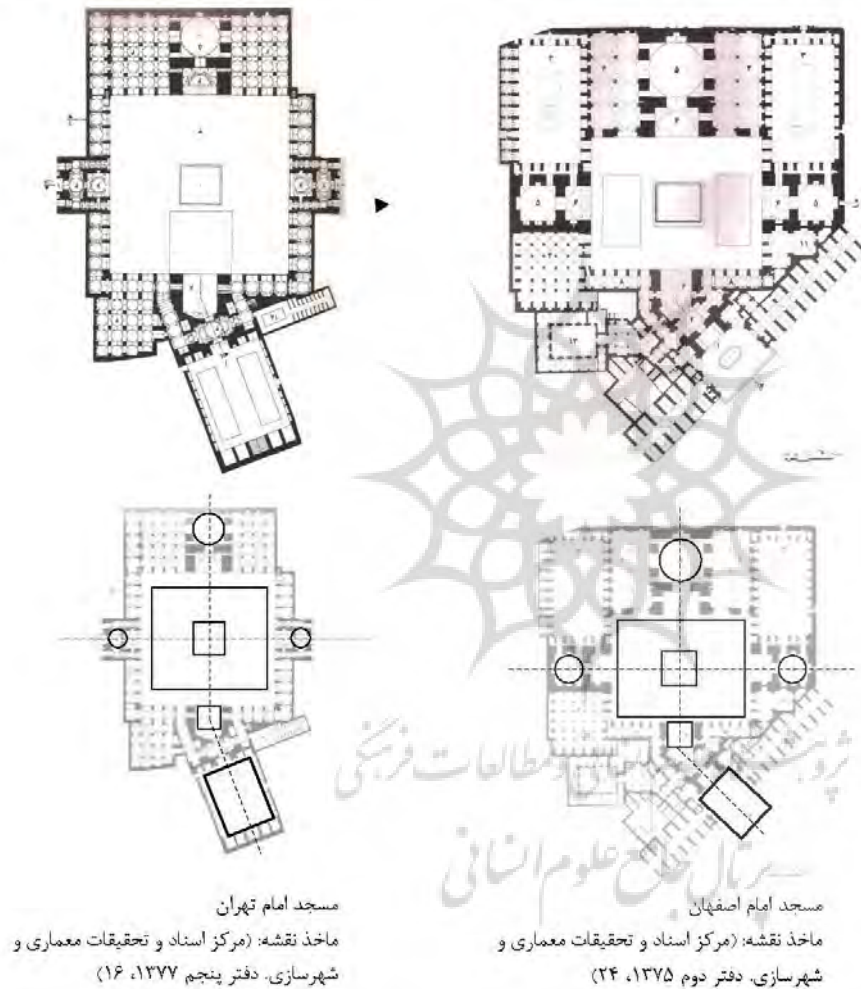
حاشیه‌نگاری در معماری ممکن است به صورت رویکرد طراحی مطرح شود. این صورت از حاشیه به صورت تفسیر خاص از اثر معماری به مثابه متن قابل تبیین است.^{۳۴} در این حالت، بهره‌گیری از بن‌مایه آثار فاخر موجود در جهت توسعه و تطبیق آن با بستر محیطی و تحقق آن به صورت یک اثر معماری جدید می‌تواند به صورت رویکردی از حاشیه‌نگاری تعبیر شود. گاهی یک اثر معماری به صورت بازخوانی مجدد یک متن (اثر معماری دیگر) از بطن تاریخ، و ارائه خوانش و تأویل نوین از آن ارائه می‌شود. این تفسیر خاص از یک اثر به مثابه متن موجود، می‌تواند در قالب بهره‌گیری از اصول، اشاره و یا بازنمایی در دوره زمانی دیگر محقق شود. در ادامه مثال‌هایی در این زمینه طرح می‌شوند.

الف. بهره‌گیری از اصول: مفید و رئیس‌زاده معتقدند که معماری تهران در دوره قاجار را می‌توان حاشیه‌ای بر معماری شیوه اصفهان در عصر صفوی دانست. «معماری در تهران بر تمام وجوه و جوانب اصفهان نقد می‌زند و آن را می‌کاود و تعمیق می‌بخشد. حاشیه بر اصفهان، به مانند حکمت و ادب، از همان اصفهان آغازیدن گرفت. الحاق فضاهای قاجاری به بناهای صفوی همچون گوشواره‌های مسجد شاه اصفهان، افزودن تزیینات قاجاری به بناهای اصفهان همچون معلق‌های مسجد جامع اصفهان و نهایتاً احداث بناهای قاجاری در اصفهان همچون مسجد سید و مسجد حکیم نشان‌دهنده پیمودن راهی است که در تهران به اوج خود رسید» (مفید و رئیس‌زاده ۱۳۸۷، ۳۰-۳۱). آن‌ها در این راستا مسجد شاه (امام)

تهران را به‌عنوان حاشیه‌ای بر مسجد شاه (امام) اصفهان توصیف می‌کنند. طرح مسجد امام تهران در این تفسیر می‌تواند به‌عنوان الهامی از طرح مسجد امام اصفهان و انطباق اصول آن با ویژگی‌های زمانی و مکانی جدید در تهران دوره قاجار تعبیر شود. در تصویر (۷) برداشت‌هایی از متن (مسجد امام اصفهان) و تحقق حاشیه (مسجد امام تهران) معرفی شده است.

حاشیه (محشی؛ معمار نامشخص در سال ۱۲۲۵)

متن (ماتن؛ استاد علی‌اکبر اصفهانی در سال ۱۰۲۱)



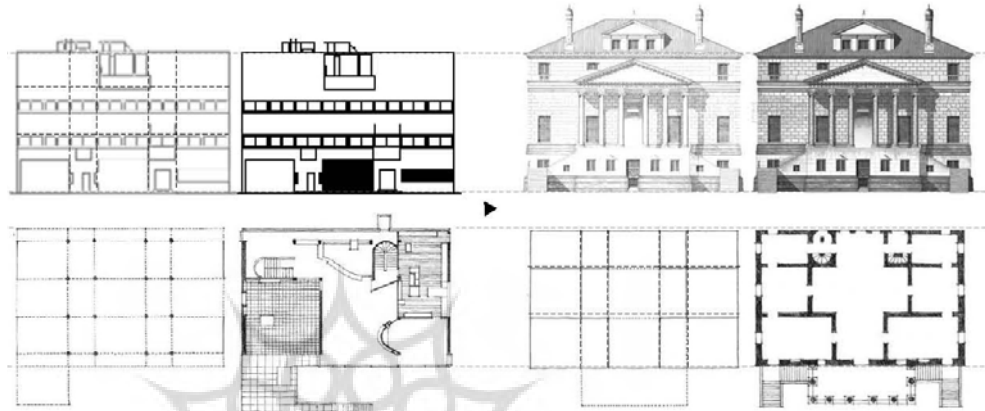
تصویر ۷: نگارش حاشیه معماری به‌صورت بهره‌گیری از اصول در دوره زمانی دیگر: تبعیت مسجد شاه تهران از اصول مسجد امام اصفهان

کالین‌رو، محقق آمریکایی تاریخ معماری، در مقاله‌ای با عنوان «ریاضیات ویلای ایدتال» (۱۹۴۷)، تشابه بین تناسبات فرم و تقسیمات فضایی یک ویلای پالادین و یکی از ویلاهای لوکوربوزیه را تحلیل می‌کند. هر دو ویلا از سازمان تناسبات مشابهی برخوردارند و در رابطه با یک نظم ریاضی عالی هستند. در عین حال هر یک به زمان خود تعلق دارند. ویلای پالادیو شامل فضاهایی با اشکال ثابت و روابط مشترک هماهنگ است و ویلای لوکوربوزیه از طبقات افقی شامل فضای آزاد تشکیل شده که به‌وسیله قطعات کف و سقف تعریف می‌شوند. در این ویلا اتاق‌ها از

نظر شکل متفاوت‌اند و به‌طور نامتقارن در هر طبقه آرایش می‌یابند (به نقل از چینک ۱۳۷۳، ۳۰۵). به نظر می‌رسد در لوکوربوزیه در اثر خود خوانش و تأویل خاص از تناسبات ویلای پالادین را ارائه کرده است و به بیان این نوشتار اثر موجود را در بیانی نوین حاشیه‌نگاری کرده است. (تصویر ۸)

حاشیه (محتی: لوکوربوزیه در سال ۱۹۲۷ م.)

متن (ماتن: آندرا پالادیو در سال ۱۵۵۸ م.)



Villa Garches, Vaucresson, France, 1927.

Villa Foscari, Malcontenta, Italy, 1558.

تصویر ۸: نگارش حاشیه معماری به‌صورت بهره‌گیری از اصول در دوره زمانی دیگر: تبعیت ویلا گارشه از ویلا فوسکاری نقشه‌ها ملهم از چینک ۱۳۷۳، ۳۰۵

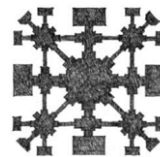
ویلیام کرتیس، مورخ انگلیسی تاریخ معماری معاصر، معتقد است لویی کان در طرح‌ریزی بنای مجلس ملی در داکا به ساختارهای تاریخی نفوذ می‌کند و به‌واسطه روش متداول خود از طریق انتزاع، ساده‌سازی و بازخوانی تاریخ، اثری مدرن ارائه می‌دهد. تأثیرپذیری سازمان‌دهی این پروژه منتج از انتزاع سازمان‌دهی آثار تاریخی نظیر تاج‌محل محسوس است که به طرز بدیعی امروزی گشته و اثری مدرن را به عرصه ظهور می‌رساند (Curtis 2012). در این طرح، بخش اصلی مؤسسه در فضای مرکزی با ویژگی اجتماعی متمرکز ارائه می‌شود که مبتنی بر مربع و دایره است و به‌وسیله محورهایی با توالی مشخص با محیط اطراف ارتباط می‌یابد. فضاهای فرعی به‌صورت بخش‌هایی اطراف مولد اصلی قرار می‌گیرند و برای ایجاد تنوعاتی در طرح، بخش‌های کوچک‌تر و خصوصی‌تری را در بر می‌گیرند (کرتیس ۱۳۸۲، ۴۹۳) (تصویر ۹).

حاشیه (محتی: لویی کان در سال ۱۹۶۲ م.)

متن (ماتن: نامشخص در سال ۱۶۳۲ م.)



National Assembly Building,
Capitol Complex at Dacca,
Bangladesh.



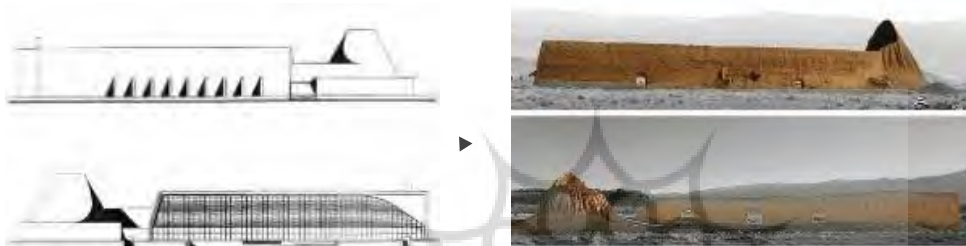
Taj Mahal, Tomb of Mumtaz
Mahal, wife of Shah Jahan,
Agra, India.

تصویر ۹: نگارش حاشیه معماری به‌صورت بهره‌گیری از اصول در دوره زمانی دیگر: تبعیت مجلس ملی داکا از تاج‌محل نقشه‌ها ملهم از چینک ۱۳۷۳، ۳۰۵

ب. اشاره: پروژه مجتمعی ورزشی رفسنجان اثر هادی میرمیران با اشاره به یخچال سنتی، حاشیه‌ای بر این بنای تاریخی ارائه می‌کند. در این اثر به فرم یخچال به‌طور مستقیم ارجاع داده می‌شود، طوری که این صراحت ارجاع و خلوص حجم‌ها موجب ایجاد تأثیری قوی، آنی و به یادماندنی در مخاطب می‌شود. برنامه فضایی اثر نیز با توجه به خصوصیات مشترک فضایی یخچال‌ها و ملزومات فضایی مجتمع رفسنجان مثل استخر و سالن ورزشی، سازمان‌دهی شده است؛ به‌نحوی که از یک بخش غیرشفاف (گنبد مخروطی شکل) و یک بخش شفاف (دیوار بلند و سقف شیشه‌ای مورب روی استخر) تشکیل شده است (تصویر ۱۰).

حاشیه (محشی: هادی میرمیران در سال ۱۳۸۰ ش.)

متن (ماتن: نامشخص در سال ۱۳۱۵ ق.)



مجتمع ورزشی رفسنجان، رفسنجان (URL 1)

یخچال رحیم‌آباد، بیرجند (URL 2)

تصویر ۱۰: نگارش حاشیه معماری به‌صورت اشاره در دوره زمانی دیگر: اشاره مجتمعی ورزشی رفسنجان به یخچال سنتی ایرانی

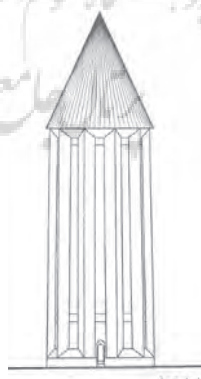
ج. بازنمایی: هوشنگ سیحون در بخش‌هایی از آرامگاه بوعلی، به بازنمایی و شبیه‌سازی بنای تاریخی گنبد قابوس اقدام می‌نماید و به این طریق حاشیه‌ای معاصر بر این بنای تاریخی ارائه می‌کند (تصویر ۱۱).

حاشیه (محشی: هوشنگ سیحون در سال ۱۳۳۳ ش.)

متن (ماتن: ابوالحسن قابوس بن وشمگیر در سال ۳۹۷ ق.)



آرامگاه بوعلی، همدان (بانی مسعود ۱۳۸۹، ۳۰۳)



گنبد قابوس، گنبد (پیرنیا ۱۳۸۴، ۱۷۲)

تصویر ۱۱: نگارش حاشیه معماری به‌صورت بازنمایی در دوره زمانی دیگر: بازنمایی گنبد قابوس در بنای آرامگاه بوعلی

به نظر می‌رسد توجه به هویت و بازگشت به خویشتن خویش، گرایشی است که امروز در بین عموم دانشجویان و محققان حوزه معماری نسبت به فرهنگ سرزمینشان ایران فراهم آمده است (حجت ۱۳۸۶، ۱۱). توجه به حاشیه‌نویسی بر آثار تاریخی از این جهت، می‌تواند سازمان‌دهی هدفمند در راستای نیل به چنین هدفی را میسر سازد.

۵.۷. روش‌های انتشار حاشیه‌نویسی در دوران معاصر

اگر در گذشته، حاشیه در پی نبود صنعت چاپ و دست‌به‌دست شدن کتب خطی انتشار می‌یافت، امروزه می‌تواند روش‌های انتشار خاص روزگار خود را داشته باشد. در دوران معاصر با گسترش ارتباطات مجازی، سهولت دسترسی به نظریات و نیز حاشیه‌های بر متون ارزشمند تئوری، می‌تواند سبب گسترش و انتقال ایده‌ها شود. چه بسا امروزه به‌صورت کلی در برخی سایت‌های معرفی کتب^{۲۵} یا فروش آن‌ها، افراد می‌توانند نظریات خود را درباره موضوعات آن کتاب ثبت و ارائه کنند. همچنین این امکان وجود دارد تا به‌صورت خاص در وبلاگ‌های شخصی، اظهار نظرها درباره مطالب مورد نظر ثبت شود. از این‌رو توجه و تمرکز بر این موضوع و ایجاد سایت‌های تخصصی معرفی متون مؤثر و ارزشمند تئوری هم‌زمان با ایجاد امکان حاشیه‌نویسی برای بازدیدکنندگان می‌تواند اثرگذار باشد. در حال حاضر، سایت‌هایی نظیر سایت ویکی‌پدیا به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که امکان اضافه‌شدن نظریات و دیدگاه افراد مختلف درباره موضوعات وجود دارد. در ایران نیز با ایجاد سایت دانشنامه تاریخ معماری ایران شهر (ایران شهر پدیا)، زمینه چنین امکانی در حوزه معماری و شهرسازی فراهم آمده است.

به نظر می‌رسد با ایجاد شرایط لازم، حاشیه‌نویسی می‌تواند در کتابخانه‌های تخصصی دوره‌های دکتری معماری ترویج و تبلیغ شود؛ زیرا دوره‌های دکتری معماری در حال حاضر به‌عنوان شناخته‌شده‌ترین حوزه‌های جدی مباحث نظری معماری مطرح‌اند که تولید آثار مکتوب دارد. این روش می‌تواند سبب ماندگار شدن دیدگاه‌های محققان درباره متون و آراء و تکمیل، تعمیق و گسترش آن‌ها در حاشیه کتب موجود باشد. (برای اجرایی کردن چنین ایده‌ای می‌توان پیش‌بینی‌هایی نظیر اضافه‌کردن صفحاتی برای حاشیه‌زدن در کتاب‌های کتابخانه‌های دوره دکتری در نظر گرفت.) در این راستا حاشیه‌نویسی می‌تواند منبعی الهام‌بخش برای دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی باشد. از مهم‌ترین نقطه‌های حرکت دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی معماری، درک و شناخت خلأ موجود در یکی از حوزه‌های نظری و از همه مهم‌تر، طرح سؤالات نافذ در این حوزه‌هاست. همان‌طور که در بخش سوم ذکر شد، برای درک خلأها می‌توان با نقادی و حاشیه‌هایی بر نظریات یا حوزه‌های نظری موجود مرتبط و یا الهام از حوزه‌های غیرمرتبط آغاز کرد.

نتیجه

طرح مسئله این تحقیق در زمینه انتقال حاشیه‌نویسی به ساحت معماری بهره‌گیری از آن در راستای تحریک بخشی به مباحث نظری است؛ به‌صورتی که امکان اجرایی و امروزی حاشیه‌نویسی و تأثیر و فواید آن را در مباحث نظری معماری را بررسی کرده است. از دستاوردهای این پژوهش، تلاش در راستای ترویج تفکر هدفمند و پیشنهاد تکنیک‌هایی برای محققان و پژوهشگران معماری در جهت کاوش فعال و خلاق در ادبیات موضوع و هم‌افزایی اندیشه پژوهشگران در این زمینه است. از آنجایی که شیوه‌های نظام‌مند و خلاق کاوش در ادبیات موضوع، پیشنهاد پژوهش در موضوعات جدید و پرورش موضوعات موجود را تحریک می‌بخشد، این تحقیق تلاش می‌کند تا با بهره‌گیری از سنت حاشیه‌نویسی، الگوهایی مشارکتی و جمعی را در این راستا معرفی کند. بر اساس مباحث ارائه‌شده می‌توان گفت انتقال و ترویج حاشیه‌نویسی در ساحت معماری می‌تواند سرآغاز تقویت نگاه انتقادی، تحریک در مباحث نظری معماری و فتح بایی برای دستیابی دانش‌پژوهان به نظریات درون‌زا باشد.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد مراتب اثربخشی حاشیه‌نویسی در سه مرحله صورت می‌گیرد: در مرحله اول، حاشیه‌نویسی بازتاب اثر تعاملی فرد با متن به‌صورت ثبت تداعی‌ها و جرقه‌های جدید بر خاسته از متن است. در مرحله دوم که همراه با انتشار حاشیه صورت می‌گیرد، اثر حاشیه‌نویسی به‌صورت انتقال افکار، نظریات و نقد افراد راجع به متن اولیه و لذا

تکمیل، گسترش و تعمیق آن است. در مرحله سوم، تأثیر آن به صورت آماده‌سازی بستر مناسب ذهنی برای شروع و حرکت تألیفات جدید و مؤثر در زمینه رفع نیاز جامعه است؛ زیرا در این فرایند، خلأها و در پی آن سؤالات مرتبط با مباحث روشن شده و با انسجام آن‌ها، نطفه‌های اولیه تألیفات شکل می‌گیرد.

بر اساس مباحث ارائه‌شده، اگر متون بومی و یا ترجمه‌شده از نظریات غیربومی با همت عمومی حاشیه‌نویسی شده و با تجزیه و تحلیل مناسب همراه گردد، در توسعه تئوری‌های بومی معماری مؤثر خواهد شد. با تفسیر اثر معماری به‌مثابه متن، می‌توان حاشیه‌نگاری را در قالب آثار عملی معماری نیز پیگیری کرد. در این حالت، حاشیه به صورت نمودی معمارانه با بهره‌گیری از اصول بنای موجود، اشاره به آن و یا بازنمایی آن می‌تواند مسیر توجه به «خویش‌نویش» و دستیابی به هویت را در حوزه معماری هموار سازد.

با توجه به گسترش امکانات ارتباطات مجازی در دنیای امروز، حاشیه‌نویسی می‌تواند صورت‌های نوینی پذیرد. در قالب این بستر می‌توان وبگاه‌هایی را در خصوص ثبت نظریات در مورد متون نظری معماری شکل داد که اندازه و گوناگونی اطلاعات در آن بسیار گسترده‌تر از آن است که در کاغذ بگنجد. اطلاعات آن روزبه‌روز افزون می‌شود و رایگان در دسترس همگان خواهد بود. مخاطبان آن می‌توانند در تکمیل آن مشارکت کنند؛ لذا عرصه مشارکتی برای بیان دموکراتیک اندیشه‌ها و تکرار و تضارب آرا تقویت می‌شود. در این شرایط اگرچه هرکس می‌تواند در موضع محشی قرار گیرد، در مقام مراجعه به حاشیه، قاعدتاً حاشیه افرادی مورد توجه واقع می‌شود که از نظر علمی در مورد موضوع متن صاحب‌نظر و صاحب‌اعتبار باشند. حاشیه بقیه افراد می‌تواند بازتاب نظر شخصی ایشان باشد و از این بعد به‌منظور بسترسازی فرایندی چون تضارب آراء واجد ارزش است.

در این مسیر می‌توان تصور کرد که متن به صورت مباحثه‌ای ناتمام، همیشه در جریان و زنده خواهد بود. از این رو احیای این روش به زندگی دائمی متون معماری و زایش مداوم آن‌ها کمک خواهد کرد.

پی‌نوشت‌ها

1. Jacques Derrida
2. Roland Barthes
3. Philippe Sollers
4. Michel Foucault
5. Julia Kristeva
6. Umberto Eco
7. Academic Reading Strategies

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجله علمی-پژوهشی

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۱۶ - پاییز و زمستان ۹۸

۲۶۸

۸. برخی از نمونه‌های مرتبط با مبانی نظری معماری در این نوشتار ارائه شده است.
۹. البته بخشی از این موضوع از این جهت است که دانش معماری به صورت یک دانش مدون و مشخص در علوم قدیمی وجود نداشته است. در زمینه علوم مرتبط با معماری در گذشته، همان گونه که در مقاله ذکر خواهد شد، نمونه‌هایی از حاشیه‌نویسی قابل پیگیری است.

۱۰. هنوز هم اصلی‌ترین منابع مرتبط با معماری سنتی و بومی ما تألیفات اندیشمندانی چون عبدالکریم پیرنیا و نادر اردلان است است که تألیفات آن‌ها به چندین دهه قبل می‌رسد. در طی این دهه‌ها جامعه فکری معماری ما به‌رغم تلاش‌هایی که صورت داده، نتوانسته است در ادامه یا به‌موازات خط فکری بزرگان دوره‌های قبل، حرکتی جدید را تبیین کند.

۱۱. در زبان انگلیسی این واژه به صورت Margin یا Marginal Note به کار می‌رود (سلطانی و راستین ۱۳۷۹). همچنین واژگان معادل حاشیه نوشتن: Annotate، حاشیه‌نویس: Annotator Marginer، حاشیه‌نویسی: annotation در این زمینه به کار رفته‌اند (هاشمی ۱۳۷۹).

12. Annotated Text

۱۳. به نظر می‌رسد حاشیه‌نویسی آنطور که در حوزه‌های علمیه اسلامی به صورت یک سنت مطرح بوده، در غرب رایج نبوده است. نمونه‌های حاشیه‌نویسی بر کتب اروپایی را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: گروه اول مواردی است که پدیدآورنده به‌دلیلی این نیاز را احساس کرده که باید متن یا متونی را که پیش‌تر فراهم آورده‌اند، توضیح دهند. یک نمونه از چنین متونی کتاب ضیافت اثر دانته آلیگری است که نام اصلی‌اش *II Convivio* است. دانته سه قطعه شعر در سال‌های جوانی خود، پیش از تبعیدش از فلورانس سروده بود. در همان زمان و نیز در سال‌های بعد، شرحی طولانی درباره آن‌ها نوشت که موفق به نوشتن چهار رساله از پانزده رساله طرح مورد نظر خود گردید. این متن در بردارنده نکته‌های اصلی اندیشه‌های فلسفی، اخلاقی و هنر دانته است. دسته دوم متونی هستند که نویسندگانشان به شرح و توضیح متن یا متن‌های نوشته دیگران پرداخته‌اند. راهنماهای آثار کلاسیک و بزرگ ادبیات که در جهت همه‌فهم کردن یا ساده کردن متن اصلی نوشته شده‌اند از آن جمله‌اند. نمونه قابل ذکر در این زمینه، شرحی مفصل و سطر به سطر است که دان گیفورد و رابرت جی. سیدمن درباره رمان یولسیس جویس نوشته‌اند (احمدی ۱۳۸۰). روش دوم در حال حاضر و به صورت ذکر نکات کلی راجع به کتب مختلف تحت عنوان Annotated Bibliography در غرب متداول است (برای اطلاعات بیشتر درباره متداول ارائه این روش نک: Wikipedia ذیل واژه).

۱۴. نسخه خطی این کتاب در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.

15. I. A. Richards

۱۶. نک: بخش ۲.۷ راهکارهای حاشیه‌نویسی

۱۷. این نهضت ارزش فراوانی در حفظ و ثبت اندیشه‌های یونان باستان داشت؛ به طوری که برخی از کتب و اندیشه‌های یونان باستان در دوره‌های بعد از روی ترجمه عربی آن بازیافت شدند.

18. Buchner

19. Empedokles

20. Art Nouveau (1914-1880)

۲۱. العروة الوثقی فیما نعم به البلوی مشهور به عروة الوثقی نام مشهورترین کتاب سید محمد کاظم طباطبایی یزدی است. شهرت کتاب به حدی است که مؤلف آن در بین علمای شیعه به «صاحب عروة» معروف است. این کتاب شامل ابواب مختلف فقه شیعه است و در مجموع ۳۲۶۰ مسئله است که در سه جلد تألیف شده است. برخی نویسندگان کتاب را آغازگر دوره جدیدی در فقه شیعه دانسته‌اند.

۲۲. فقهای برجسته‌ای از حوزه علمیه، حواشی و شروح فراوانی بر این کتاب نوشته‌اند که برخی از آن‌ها در زیر می‌آید:

- حاشیه جمعی از شاگردان آیت‌الله سید محمد کاظم یزدی که تدوین و چاپ نشده است.
- حاشیه شیخ میرزا محمد حسین بن شیخ الاسلام (متولد ۱۲۷۷ق) که تدوین گشته و به صورت کتابی مستقل چاپ شده است.
- حاشیه شیخ محمدرضا آل یاسین بن شیخ عبدالحسین کاظمی که در نجف به چاپ رسیده است.
- حاشیه حاج آقا حسین قمی بن سید محمود که به صورت منظم تدوین و در نجف به چاپ رسیده است.
- حاشیه حاج شیخ عبدالکریم بن محمد جعفر مهرجردی یزدی (۱۲۷۶-۱۳۵۵ق) که مشتمل بر فتاوی وی بوده و در ایران در ۱۳۴۷ قمری به چاپ رسیده است.
- حاشیه شیخ عبدالله بن محمدحسن مامقانی (متوفی ۱۳۵۱ق) مؤلف کتاب *تنقیح المقال* که مشتمل بر فتاوی وی است و به صورت مستقل و منظم به چاپ رسیده است.
- حاشیه سید محمد فیروزآبادی (متوفی ۱۳۴۵ق) که در نجف به چاپ رسیده است.
- مستمسک العروة الوثقی، اولین شرح استدلالی جلد اول کتاب *عروة الوثقی* و یکی از کتاب‌های مهم فقه استدلالی و مورد اعتماد و مراجعه فقهای معاصر است که سید محسن حکیم آن را تدوین کرده است. این کتاب در حوزه‌های علمیه به عنوان یکی از کتب کاربردی اصلی برای فقیه به شمار می‌رود. حکیم مطالب کتاب را اول به صورت درس خارج فقه که محور آن، کتاب *عروة الوثقی* بود عرضه و سپس به صورت کتاب حاضر تدوین کرد که برخی آن را یکی از دائرةالمعارف‌های بزرگ فقه استدلالی به حساب آورده‌اند (بذرافشان، ۱۳۷۶، ۱۲۴-۱۲۵).

23. Box

۲۴. معماری را می‌توان همچون متن در نظر گرفت. این دیدگاه به‌خصوص با گسترش دیدگاه پاسااختارگرایان در دهه ۱۹۶۰ و پس از آن شکل گرفته است. دریدا متن را نظامی ارتباطی دانست که از نشانه‌های گرافیک دیداری و فضایی تشکیل شده است؛ نشانه‌هایی که دو یا سه‌بعدی هستند و پیامی را که تحلیل‌پذیر است در بر دارند (احمدی ۱۳۷۰، ۳۶۰).

۲۵. سایت‌هایی با عناوین Goodreads

منابع

- احمدی، بابک. ۱۳۷۰. *ساختار و تأویل متن*. تهران: مرکز.
- _____. ۱۳۷۱. *از نشانه‌های تصویری تا متن*. تهران: مرکز.
- _____. ۱۳۸۰. *ساختار و هرمونوتیک*. تهران: گام نو.
- آلسوپ، بروس. ۱۳۷۱. *یک تئوری نوین در معماری*. ترجمه پرویز فروزی. تهران: کتابسرا.
- بانی مسعود، امیر. ۱۳۸۹. *معماری معاصر ایران*. تهران: ا هنر معماری قرن.
- بذرافشان، مرتضی. ۱۳۷۶. *سید محمدکاظم یزدی فقیه دوراندیش*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- پورممتاز، علیرضا. ۱۳۷۷. *فرهنگ کتاب*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- پیرنیا، محمدکریم. ۱۳۸۴. *سبک‌شناسی معماری ایرانی*. تهران: سروش دانش.
- چینک، فرانسیس دی. کی. ۱۳۷۳. *معماری، فرم، فضا و نظم*. ترجمه زهره قراگوزلو. تهران: دانشگاه تهران.
- حجت، مهدی. ۱۳۸۶. *پیش‌گفتار در تاریخ‌شناسی معماری ایران*. تهران: دانشگاه تهران.
- درودیان، ولی‌الله. ۱۳۷۵. *دانشنامه ادب فارسی (۲): فرهنگنامه ادبی فارسی*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دهخدا، علی‌اکبر. ۱۳۷۷. *لغتنامه*. ج ۵. تهران: مؤسسه لغتنامه دهخدا.
- روحانی، محمدحسین، ورجاوند، پرویز، و سیدعرب، حسن. ۱۳۷۰. *دایرةالمعارف تشیع*. ج ۶. تهران: سازمان دایرةالمعارف تشیع.
- سجودی، فرزانه. ۱۳۸۷. *نشانه‌شناسی کاربردی*. تهران: علم.
- سلطانی، پوری، و فروردین، راستین. ۱۳۷۹. *دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی*. تهران: فرهنگ معاصر.
- سیف، علی‌اکبر. ۱۳۸۳. *روش‌های یادگیری و مطالعه*. تهران: دوران.
- عینی‌فر، علیرضا. ۱۳۸۴. *پیش‌گفتار مترجم در روش‌های تحقیق در معماری*. تهران: دانشگاه تهران.
- فلاحتی پایین‌زواره، وجیهه. ۱۳۹۶. *روش‌های صحیح یادگیری و مطالعه*. اصفهان: کنکاش.
- فلامکی، محمدمنصور. ۱۳۷۱. *شکل‌گیری معماری در تجارب ایران و غرب*. تهران: فضا.
- کاشانی، غیاث‌الدین جمشید. ۱۳۶۶. *رساله طاق و ازج*. ترجمه و تحشیه سید علیرضا جذبی. تهران: سروش.
- کرتیس، ویلیام جی. آر. ۱۳۸۲. *معماری مدرن از ۱۹۰۰*. ترجمه مرتضی گوردوزی. تهران: سمت.
- کرو، نورمن، و لازبو، پل. ۱۳۷۸. *یادداشت‌های بصری برای معماران و طراحان*. ترجمه سعید آقایی و محمود مدنی. تهران: هنر و معماری.
- گروت، لیندا و وانگ، دیوید. ۱۳۸۴. *روش‌های تحقیق در معماری*. ترجمه علیرضا عینی‌فر. تهران: دانشگاه تهران.
- محمدی‌فر، محمدرضا. ۱۳۷۶. *فرهنگ جامع مرجع‌شناسی*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مرکز اسناد و تحقیقات دانشکده معماری و شهرسازی. ۱۳۷۵. *گنجنامه، دفتر اول: خانه‌های کاشان*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۷۱. *اصول فلسفه و روش رئالیسم*. تهران: صدرا.
- مفید، حسین، و رئیس‌زاده، مهناز. ۱۳۸۷. *در ستایش حاشیه و محشی*. مجموعه مقالات معماری و شهرسازی، گردهمایی مکتب اصفهان، فرهنگستان هنر: ۶۳۲-۶۳۳.
- نصر، سیدحسین. ۱۳۷۵. *جوان مسلمان و دنیای متجدد*. ترجمه مرتضی اسدی. تهران: طرح نو.
- هاشمی، ابوالفضل. ۱۳۷۹. *واژگان کتابداری و اطلاع‌رسانی*. تهران: دبیزش.

- Allen, Graham. 2000. *Intertextuality*. London: Taylor & Francis e-Library.
 - Curtis, W. J. R. 2012. Louis Kahn: The Space of Ideas. *Architectural Review* (11).
 - Davidson Reynolds, Paul. 1971. *A Primer in Theory Construction*. New York: The Bobbs- Merrill Company, Inc.
 - Groat, Linda and David Wang. 2002. *Architectural Research Methods*. New York: Wiley.
 - Jencks, Charles and George Baird. 1969. *Meaning in Architecture*. London: Barrie & Rockliff: The Cresset Press.
- URL 1: <http://iacenter.ir/index.aspx?pageid=662&p=1> (accessed May 2019)
- URL 2: <https://www.shahrmajazi.com/Contents/%DB%8C%D8%AE%D8%AF%D8%A7%D9%86%D9%87%D8%A7> (accessed May 2019)



شهرستان کاشان
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۱۶ - پاییز و زمستان ۹۸